



تظاهرات ۵ هزار نفری در استادایوم آزادی

در صفحه ۶

تظاهرات گسترده زنان بندرانزلی

در طی چند ماه اخیر حرکت های اعتراضی وسیعی را در سطح کشور دیده ایم. هر علت کوچکی در آنست مدتی به تظاهرات گسترده ای تبدیل شده است. مردم به جان آمده مترصدند تا به هر بهانه ای خشم گسیخته خویش را فریاد زنند. تظاهرات مردم انزلی در خرداد ماه گذشته نیز در این چهار چوب صورت گرفت. مسئله زنانجا آغا زشدکه شخصی بنام "سیاوش" مدیر شرکت "پرسی گاز" اعلام نمود که مشترکین کپسول خالی گاز را به شرکت تحویل دهند تا شرکت بقیه در صفحه ۷

پذیرش آتش بس به خیال جلوگیری از انقلاب

● علما آنگونه که رفسنجانی درهما شروز ۲۷ تیردر مصاحبه خود اعلام کرد، نشستند و چنین تصمیمی گرفتند و همه آنها و تلبها، های وهوی ها و آیات و احادیث مربوطه را به یک ضرب به آشفادونی روانه کردند. "سردار اسلام" و جانشین فرمانده کل قوا در مصاحبه خود گفت بعد از جمع بندی از وضع جبهه ها و گزارش آن به امام و در یافت پیام امام، در جلسه ای از سران حکومت برای آنکه از حوادث ناگوار برای انقلاب و مملکت (!) جلوگیری شود چنین تصمیمی گرفتند. و در همین بیان که مملو از استیمال و عجز و ناتوانی بود، بصراحت و روشنی آنچه را که دیگر قابل پنهان کردن نبود و خود مدتهاست از پرده پنهان افتاده، به زبان آورد. یعنی شکست در جنگ و ترس از طوفان انقلاب و تلاشی حکومت!

بی شک آنان با این تصمیم خود به این قانون که شکست در جنگ زمینه بروز انقلاب را فراهم می آورد کردن نهادند. اگر چه عوامل فراوان دیگری هم در کار بوده اند. مثلاً "گاری سیک"، متخصص امور ایران در شورای امنیت سابق آمریکا، فردای این تصمیم گفت که تماس غیر مستقیم بین آمریکا، ژاپن و فنلاند بقیه در صفحه ۲

● پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب فقها جز پذیرش شکست و تسلیم در جبهه ها و تلاش برای مقاومت با طوفان انقلاب نیست.

روز ۲۷ تیر ماه حکومت اسلامی بدون هیچ مقدمه سازی رسمی علیه، از طریق خبرگزاری کشور اعلام نمود که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را که یکسال از زمان صدور آن می گذرد پذیرفته است. در همان روزها منتهای پیامی برای دبیرکل ملل متحد ارسال داشته و موافقت حکومت خود را اعلام نمود و بدین ترتیب فقها خواستار اجرای قطعنامه شدند. هنوز مرکز حکم خمینی در انتصاب رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا جهت به پیروزی رساندن جنگ در جبهه در مدت شش ماه خشک نشده است. هنوز دو هفته از روز ۱۴ تیر که خمینی در پاسخ پیام منتظری بمناسبت سقوط شدن هوا پیمای ما فریبری گفته بود جنگ آنها جنگ مکتب آنهاست علیه تمامیه مظلوم و جور و نه صلاحی شناسنده محصور در مرز و بوم است و این جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی و کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند، نگذشته بود (عجب!) چه شد که گفتار پیرمست جماران و همه آقایان و حضرات

جشنهای بزرگداشت

۴ تیر روز بنیانگذاری سازمان

در صفحه ۳

به سوی

برپائی سمینا رپنجم کانونهای
پناهندگی در آلمان فدرال

هما نظور که در بیامکارگر شما ره پیش گزیرش داده شد، تعدادی از کانونهای پناهندگی پیرو دیدگاه سکتا ریستی در چهار زمین سمینا رسا سری کانونها در شهرها میبورگ به انشعاب خود قطع نیست بخشیدند. برای کسی که سیر تحولات این سمینا رها را دنبال کرده باشد انشعاب مذکور غیر مترقبه نیست. تقابل دو گرایش اصلی، یعنی گرایش اولی و گرایش سکتا ریستی از همان نخستین سمینا در شهرها نظیر بقیه در صفحه ۷

گفتگوی با

رضا علامه زاده

در صفحه ۱۱

سخنی درباره

تشکل های دموکراتیک

در صفحه ۱۱

زندگی و مبارزات پناهندگان

کراچی

● UN کراچی تنبیه می کند!

سوئد

● اعتماب غذا در اعتراض به حکم اخراج

آلمان فدرال:

● حمله قاچاقچیان به اقامتگاه پناهندگان

● اخراج یک پناهنده غنائی

● فشار بر پناهندگان شدت بیشتری

می یابد!

● قاتل پناهنده ایرانی به ۱۸ ماه حبس

تعلیقی محکوم شد!

● خودکشی دو پناهنده جوان ایرانی

در آلمان فدرال

در صفحه ۱۶

پذیرش آتش بس...

سوراخی دیگر

درکشتی روحا نیون

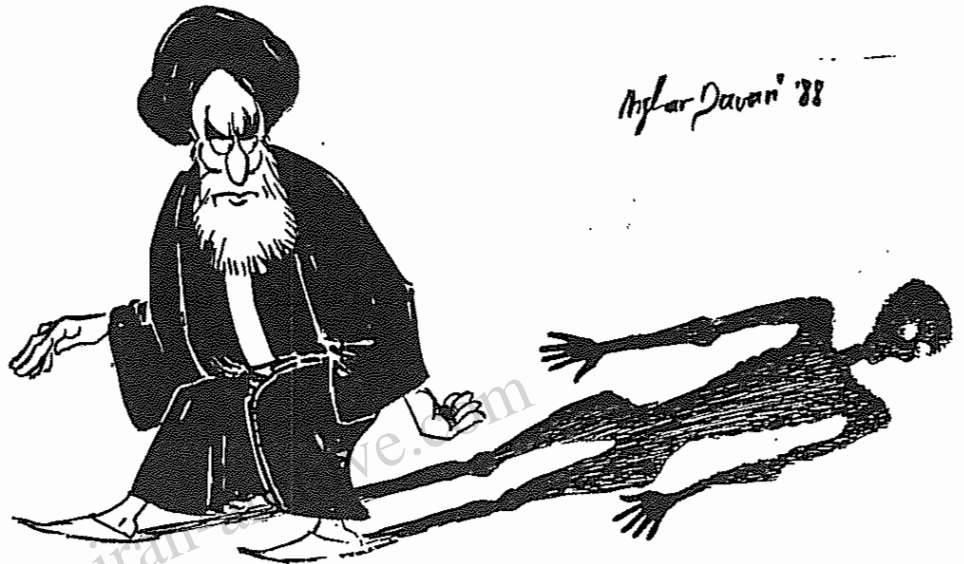
چند ماه پس از انشعاب در درون «جا معسه» روحا نیت مبارزتهران «مطبوعات ایران» انشعابی دیگر در درون روحا نیون خیردادند. این تفاوت که این بار انشعاب از قبله گاه روحا نیت شروع شده است، انشعاب نیون جدید که با نام «روحا نیون مبارزم» اعلامیه صادر کرده اند، همانطور که از نامش پیداست، چیزی جدا از «روحا نیون مبارزتهران» و «بیا کپیبه» و «آدمه آن در قتمی» تو اندبا شد. زمره ها و آغا ز اعلام شعا با از ۱۵ خرداد دوازدهم که قرار بود با همین عنوان در مدرسه فیضیه قم برپا شود شروع وطنی چند روز در مطبوعات و مجلس علنی گشت. آنطور که از اخبار منتشر شده برمی آید کویا عده ای از روحا نیون برای ۱۵ خرداد دوازدهم اجرای مراسم را در مدرسه فیضیه میگیرند، «شورای مدیریت حوزه» (شورای مدیریت حوزه عبادت از ۳ نماز بنده گلپایگانی و ۳ نماز بنده جامعه مدرسین است) و «جامعه مدرسین» با اجرای آن در فیضیه به مخالفت برمی خیزند. آذری قمی از مسئولین «جامعه مدرسین» علت را در این اعلام داشت که چون «برگزار کنندگان مراسم تخریب داشتند و قصد حمله به جامعه مدرسین و شورای مدیریت حوزه را... در نتیجه از اجرای مراسم به آنان داده نشد. در مجلس ابتدا خلخالی ضمن کنا بهای به جوابگویی برآمد و گفت: اینها «نامهای نامرتب... که مزین به فحش بوده... به خدمت ما منوشتند و بعضی ها در حوزه علمیه و مدرسه فیضیه اعتراض کردند... البته منظور از نامها، نامهای است که چندی پیش شایعه شده بود جامعه مدرسین» برای خمینی جهت پایان دادن به «جنگ» نوشته است.

متعاقب حرفهای خلخالی، چند روز بعد علی موحدی ساوجبلیب به سخن گشود و گفت «ما در پشت جبهه متأسفانه شاهد حرکت های تفرقه افکنانه ای هستیم... بنا اینک ما معلقولانشان داده و تا کید کرده اند که از این حرکات دست بردارند، اما آن حامیان روحا نیون، مدرسین، طلاب، دانشجویان، نمایندگان و وزراء و درمیان همه اقشار جامعه سعی در تفرقه اندازی دارند».

بدنبال این درگیری ها حامنه ای طی یک سخنرانی در قم اعلام کرد که این کارها «به ما ضربه خواهد زد»، بعضی ها با این کارها «بین این موقوف متحدشکاف ایجاد می کنند» و «تلاش مخلصانه جمعی را برپا می دهند و کشتی را که همه بر آن سوارند خودخواهانه و خودبینانه سوراخ می کنند». بهرحال این انشعاب هر چه باشد نشانگر آغاز درگیری علنی تری است که اینبار سرمداران روحا نیون و بیا به عبارتی دیگر فقها را وارد میدان کرده است. شکی نیست که بدنبال این دوا نشعاب با پیدا نشعاباتی دیگر و ادشهرهای دیگر منتظر بود.

و فریب داده شده با یک واقعیت و ضربه منگ کنند و روبرو شده است. ضربه ای که ممتنی شهادت طلبی و نان و آب فراوانی را که بعلمت گوشت دم توپ شدن نمیشناسد، میگرداند. از سر آنها پراند. آنها کاخ پوئالی خود را به یکباره فروریخته دیدند. حال دیگر «حزب - الله رزمنده و شهادت طلب» چگونه میتوانند بعنوان چوب زیربغل فقها در مانورهایش و بعنوان قلعه...

بعمدت بیش از ۲ ماه جهت بحث برای خاتمه جنگ برقرار بوده است. اما تمامی این عوامل، اجزای همان علت اصلی است. آنچه که گلوی فقها را بشدت فشرد، حرکت اعتراضی مردم صلح طلب، فشا بحران اقتصادی و درهم ریختن بی سابقه وضع بود که در این سه ماه مرحله شکست در جنگ، وسعت گرفته بود. و درحالی که حضرات فقها همه چیز را دستخوش باد و



کوب علیه مردم و دشمنانش بکار آید؟ همین روحیه و وضعیت حزب الله در ارگانهای رژیم منکس است. و خصوصاً «خط امامیها» و تندروها که مجلس را هم قیقه کرده و برای پیشگیری از صلح و سازش در تاریخ ۱۴ تیرماه طرح استراتژی جنگ مبنی بر ادا جنگ تا پیروزی کامل را تصویب گذراندند، بسیار بیشتر از اینها ضرب خورده اند. و آنها نه تنها آنقدر ضعیف نیستند که برای جتنی سرشان را بتوان زیر آب کرد، بلکه ترکنازی خود را آغا ز خواهند کرد و شکاف و شقه شده شدن حکومت را شدت میدهند. و در این میان همه می حکومت و عناصر مسلط واقع بینان به بیاری امپریالیسم و گشایش از جانب آنها خواهد بود. تا با رژیم ملی و فنی و سیاسی و غیره بیکر لرزان خود را سرپا نگهدارند. واقعیت آنست که اگر چه پذیرش تحمیلی صلح از جانب رژیم بسرای مقابله با پیشروی بحران بود اما مجموعه شرایط نشا نگر آنست که آنها اهرم قوی برای مقابله با انقلاب را در داخل جامعه نمی توانند دست آورند و همه چیز حکایت از گسترش امواج بحران دارد. و راز شتاب فقها در این تصمیم خود در سرعت پیشروی بحران و طوفان در مملکت قرار دارد.

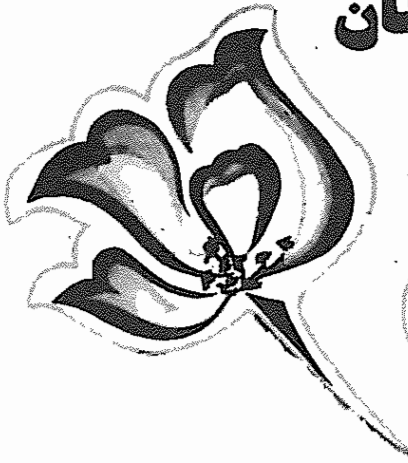
طوفان انقلاب دیدند، و حتی که فهمیدند که اگر دیر بجنبند تاج حکومتی و گردن خود را از دست خواهند داد، بزان نوشتند تا با سر سقوط نکنند! و این در حقیقت چیزی جز پیروزی برای مردم صلح طلب ایران و جنبش ضد جنگ که علیه رژیم اسلامی و جنگ آن مبارزه کرده اند نبود. همان مردمی که یک هفته قبل از این تصمیم تظاهرات وسیعی در رباط کریم تهران علیه جنگ بپا کردند.

فقها با خیال از سر گذراندن طوفان سه چنین تصمیمی رسیدند اما آیا جهان برونق مراد آنها خواهد چرخید. بی شک نه! اما چرا نه. چون مردمی که هشت سال علیه جنگ بوده و در برابر فساد انقلاب حاکم قرار گرفته اند، حالا با شکست حکومت و تسلیم آنها به صلح تحمیلی نه تنها باز نخواهند ایستاد بلکه «زیاده طلب» تر خواهند شد. آنها پوئالی بودن موقعیت حکومت را تجربه کرده و قدرت خود را هم با زیافته و نیروی خود را مقتدرتر می کنند. اکنون زمان حساب پس دادن و همچنین زیر سوال رفتن حکومت حتی بر سرخواست و مطالبه جزی است.

از سوی دیگر بیا به جماعتی فقها یعنی امت حزب الله، که هشت سال بر محور جنگ سازماندهی

جشنهای بزرگداشت ۴ تیر

روز بنیانگذاری سازمان



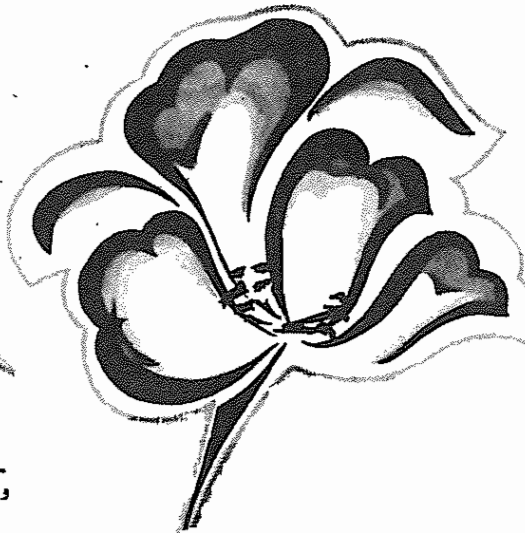
وین اتریش

وین - اتریش:

جشن چهارم تیر سالگرد تاسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در وین نیز با شرکت جمعی از دستداران و هواداران سازمان و هواداران نیروهای سیاسی دیگر ایرانی برگزار گردید. در این مراسم گروه موسیقی چکا وک مرکب از سه نفر خواننده و نوازنده، مترقی ایرانی، گروه رقص حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) برنا مهاجرا کردند. یک پیشمرگه، زن از رهبری (انقلابی) در رابطه با وضعیت پیشمرگان در کردستان صحبت کرد و مقام‌های تحت عنوان "وضعیت طبقه کارگر و مواضع ما" قرائت شد. همچنین شعری از افراشته‌ها عرا انقلابی دوره رضا خانی به زبان گیلکی خوانده شده و برنا مهاجرا شعری دیگری تحت عنوان "بیا دمبا زمین راه آزادی و سوسیالیسم" اجرا گردید. در این مراسم پیاپی تیریک رفقای هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شورای عالی)، هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) و هواداران سازمان آزادی کار ایران (فدائی) خوانده شد.

کپنهاگ دانمارک

نهمین سالگرد سازمان بتا ریخ ۸۸/۷/۲ در شهر کپنهاگ با شرکت گروهی از هموطنانمان جشن گرفته شد. در این برنا مهاجرا بعد از خوش آمدگویی به حضار رویک دقیقه کف زدن به بزرگداشت شهیدای راه آزادی و سوسیالیسم و قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان، رفیق حسن حسام سخنانی پیرامون معرفی سازمان، وضعیت بحرانی جامعه ایران و وظایف کمیته مرکزی ایراد کرد. سپس نوبت به برنا مهاجرای هنری رسید که با موسیقی فارسی، آذری و موسیقی کردی توسط گروه لاوک، همراه بود. فراشته‌ها نیز سرودانترنا سیونال برنا مهاجرا به پایان برد.



برنا مهاجرا هنرمند چیره دست و انقلابی خلق کرد. شوان، برنا مهاجرا نه‌های خود سالن را به یک میدان شورمیدل کرد. سالن یکبار چرخه به جنبش درآمد، و جمعیت زیادی با رقص کردی به پای یکوبی پرداخت. وهنگامیکه شعر "کینه" خوانده می‌شد انبوه‌هاضران با قلبهای پراز کینه با بر زمین می‌کوبیدند. گوئی بر لاشه رژیم جمهوری اسلامی می‌کوبند، و از مرگ آن مالامال شاد میشوند. در چنین فضائی برنا مهاجرا به بخش پایانی خود، سرودانترنا سیونال رسید. و جمعیت با مشت‌های گره کرده، به سوی آسمان، عزم را سخ خود را بر علیه جهل، ستم و استمنا و روبرای آزادی و سوسیالیسم تماشایش داد و محل جشن را ترک گفت.

سوئد

در تاریخ یکشنبه ۳ بولی، جشنی به مناسبت نهمین سالگرد تاسیس سازمان در استکهلم برگزار گردید.

این برنا مهاجرا یک دقیقه کف زدن آغاز شد و سپس قسمتهای بعدی برنا مهاجرا شامل: سخنرانی رفیق حسن حسام، سرود، موسیقی و آواز ایرانی، رقص گیلکی، تک نوازی پیانو، رقص تشقایی، موسیقی کردی، تئاتر، میان برده، موسیقی و آواز ترکی، نما پیش اسلاید و شعر خوانی بود. آغاساز گردید.

در این برنا مهاجرا همچنین پیام ۱۵ سازمان به کمیته مرکزی قرائت گردید و در انتها نیز سرودانترنا سیونال بطور دسته جمعی خوانده شد.

مراسم گرامیداشت چهارم تیر، سالگرد از کشور شکوه دیگری داشت. استقبال گسترده ایرانیان، دوستان سازمان از این مراسم اعلام همبستگی و مجوبانه انبوهی از هم میهنان ما بود که خود را با مبارزات سازمان ما در راه آزادی و سوسیالیسم نزدیک می‌بینند. بی تردید این هم پیوندی برای همراهان کارگری ها و نیروهای طرفدار سوسیالیسم فرورنگیز است. باشد تا همگام با طبقه کارگر، در صفی فشرده تر، بنیاد استشمارا و رجاع را برای فکنیم و جشن رها نشی انسانها را در سرودی میلیونی سردهیم.

کلن آلمان فدرال

روز چهارم تیر، دهانگانه شهر کلن میعادگامه سمرت بخش نزدیک به هزارتن از هموطنان ما بود. سالن برنا مهاجرا، با عکسهای رهبران پرولتاریای جهان، مارکس، انگلس، لنین و شعراهای سازمان و تابلوهائی از عکسهای شهدای سازمان آذین شده بود. مراسم در ساعت ۶ بعد از ظهر، با اعلام برنا مهاجرا یک دقیقه کف زدن به افتخار جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید و در ساعت ۱۲ نیمه شب در فضائی از شور و طنین قدرتمند سرودانترنا - سیونال پایان یافت.

در بخش آغازین برنا مهاجرا، رفیق حسن حسام، با اشاره به فرازهای اتریا و بیخه سازمان کارگران انقلابی ایران و مهمترین خطوط سیاسی - نظری آن، به تشریح وضعیت کنونی بحران کشور و ضرورت فعالیت متحد و گسترده نیروهای چپ و دمکرات برای ایجاد جبهه واحد کارگری و جبهه واحد دمکراتیک - ضد امپریالیستی پرداخت. و در پایان از تمام فعالین که به برنا مهاجرا با ورودا رند و برنا مهاجرا انتقال به سوسیالیسم را محور سیاستهای خود قرار داده اند دعوت کرد به صفوف سازمان بپیوندند.

پس از آن اجرای بخش برنامه‌های متنوع هنری آغاز گردید، که شور و حال خاصی به جشن داد. رقص‌های زیبایی خلقهای ایران، رقص آذری، کردی، قاسم آبادی، ترانه‌های دلنشین آذری توسط خواننده ارزنده ظروفچی "سرودها و ترانه‌های ترکی توسط رفیقی از حزب کمونیست ترکیه (اتحاد) تکنوازی فلوت و تار گوشه‌های از این برنا مهاجرا تشکیل میداد. در میانه برنا مهاجرا نیز تمام حزب و سازمان‌های ایرانی و خارجی که به این مناسبت پیاپی همبستگی فرستاده بودند اعلام گردید. سپس شعری خوانی رفیق حسن حسام شروع شد که خیلی به دل نشست. در میانه‌های برنا مهاجرا گوشه‌هایی از رادیو صدای کارگر پخش می‌گردید. و با لخره انتهای

گزیده‌ای از پیا مه‌ای احزاب و سازمانهای ایرانی و خارجی بمناسبت نهمین سالگرد تأسیس سازمان

- ۱- جنبه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP)
- ۲- حزب کمونیست ما رکسیست - لنینیست (انقلابی) سوئد
- ۳- حزب کمونیست ترکیه (اتحاد)
- ۴- حزب کمونیست ترکیه صدای کارگر
- ۵- سازمان کورتولوش ترکیه
- ۶- حزب کمونیست پاکستان
- ۷- جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)
- ۸- جنبش آزادی بخش تا میل EROS (سازمان انقلابی ایلام)
- ۹- هیئت تحریریه لنینیست های انگلستان
- ۱۰- کمیته خاورمیانه - فرانکفورت
- ۱۱- انجمن دانشجویان عراقی - آلمان فدرال و برلین غربی

پیا مه رفقای کمیته خاورج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر رفقا ،

ما فرارسیدن ۴ تیرماه ، نهمین سالروز اعلام موجودیت سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر را به کمیته مرکزی و تمامی اعضا و کادرهای این سازمان تبریک می گوئیم .

دوران حیات راه کارگر ، دوران پرتلاطمی در جنبش کشور ما بوده و در طول این سالها ، تحولات عظیمی در جنبش انقلابی کارگران و زحمت کشان کشور ما رخ داده است . به همان اندازه که جنبش کارگری ما ، در طول این سالها با افزون شدن بر تجربه و دانش مبارزاتی خود ، در مافی معبای یکی از دغدغه منش ترین رژیم های تاریخ آبدیده گشته است ، در فرا زون شیب آن ، نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی کشور ما نیز تجربیات عظیمی را پشت سر نهاده ، آموزش های گرانبایی را اندوخته اند ، با استواری بر اهداف والای طبقاتی خود ، شرف و حیثیت کمونیستی را در مقابل تسلیم طلبان و وریزه خواران جیون بورژوازی ، پاس داشته ،

رفقای گرامی !

ما نهمین سالگرد بنیاد نگذاری سازمان نشان را بشما تبریک می گوئیم .

۹ سال پیکا ردر شرایط سخت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) نشان داده که این سازمان با پایبندی به اصول اعتقادی خود و رسالتی که در پیش گرفته متعهدانه به وظایف انقلابی خود عمل کرده است .

سازمانی که توانسته تا کنون در یکی از بحرانی ترین و پیچیده ترین لحظات تاریخسی کشور ما تحلیل نسبتا منطبق با واقعیات جامعه را ارائه داده و مفاد انقلاب از ضد انقلاب را مرزبندی کند ، این امیدواری را بر ما نگیزد که در آینده نیز به همین نحو عمل کند و در جمع و تشکل توده ها حول نیروهای انقلابی و راهبری آنان به سوی اهداف انقلابی و خلقی نقش درخور توجه ای ایفا نماید . هر چند در شرایط فعلی تشدد و پراکنندگی در آوری بر فضای نیروهای انقلابی حاکم است ، لذا این قبیل پراکنندگی ها ، چنانچه تا ریخ مبارزاتسی بشر را هدایتان بوده است ، در اثر مساعی و مبارزه

راه کارگر که هم اینک ، در آغاز دهمین سال فعالیت خود قرار دارد ، در طول حیات ۹ ساله خود ، از جمله سازمانهایی بوده است که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و افشای ماهیت ارتجاعی این رژیم تلاش و آفری نموده است و در جریان سازماندهی چنین مبارزه ای بخشی از بهترین و برجسته ترین کادرهای بنیاد نگذا خود را نیز از دست داده است . ما ضمن تبریک مجدد دهمین سالروز بنیان گذاری سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر ، امید آن داریم که این سازمان در شرایط خطیر کنونی جنبش کارگری ایران ، با وقوف به نقش کلیدی وحدت صفوف ما رکسیست - لنینیست ها به سهم خود ، گام های هر چه جدی تری را در راه افشاق آمدن بر تشنات و پراکنندگی جنبش کمونیستی و رسیدن به حزب طبقه کارگر و تقند و طرد عوامل بازدارنده در این راستا بردارد .

با ایمان به پیروزی پرولتاریا نمایندگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور ۳/تیرماه ۶۷/

انقلابی و ضدبشری آن بی برده در برابر آن به صف آرایی پرداخت . اکنون " راه کارگر " در حین مبارزه نستوه علیه رژیم خمینی ، به مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی پیگیرانه ای نیز علیه مدعیان کذابی شما بیندگی طبقه کارگر در پیش گرفته است . ما در این مبارزات خود را در کنار شما زمان شما یافته همه توان و انرژی خود را در این راه مصروف خواهیم کرد . با شدک به پیکا ر خود و مساعیت یکدیگر حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم و حقوق حقه طبقه کارگر را کسب کنیم .

سرنگون با جمهوری اسلامی ایران ! برقرار با دستا در جنبش های ملی - دموکراتیک خلق های تحت ستم ایران با جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران !

گرامی با دهمین سالگرد بنیاد نگذاری سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - کمیته اروپا ۲۵ / ۶ / ۱۹۸۸

ایمان به حتمیت پیروزی طبقه پیشتاز تاریخ را در میان اعضا و کادرهای راه کارگر ، کسب نبودند و رفقای همچون علی شکوهی ها ، مهبران شهاب الدین ها ، نورالدین ریاحی ها ، که هم چون هزاران کمونیست دیگر با ملایت اراده خود ، پوزه جلادان جمهوری اسلامی سرمایه را بر خاک مالیدند و در کشتارگای رژیم ، پرچم سرخ مبارزه تا پای جان را با خون خود در هزار رنگها شدند ، و اراده مصمم پیشتازان طبقه کارگر در سخت ترین شرایط حاکم بر جنبش ما ، بنمایش گذاشتند .

استواری کمونیست ها نه تنها در شکنجه گاهای جمهوری اسلامی ، بلکه در تمامی عرصه های مبارزه طبقاتی ، تنها بیان عملی و اقیعت عیان نقطه قوت جنبش ما در حفظ و پاسداری ارزش ها و سنسین مبارزاتی عظیمی است که طبقه کارگران ، و پیشتازان کمونیست آن ، در طول نزدیک به یک قرن اخیرا بجا دنموده ، و در طول یک دهه اخیرا پس ارزش ها و سنسین را غنای هر چه بیشتری بخشیده اند .

خستگی ناپذیر نیروهای خلقی با توجه به درک حساسیت لحظه و ترکیب نیروها و نقش خود در جنبش انقلابی قابل رفع است . جنبش انقلابی ایران می طلبد که تمامی نیروهای انقلابی و دموکراتیک بدور از هر نوع تنگ نظری و خود محور بینی در کنار هم قرار گرفته لشکر پرتوانی را علیه رژیم ضد انقلابی خمینی بیا ریند . لحظه لحظه نجات ایران از چنگ یکی از سباه ترین و شبه کارترین رژیم های پدید آمده در دنیا است . بنا بر این بدون سرنگونی رژیم تحقق هر نوع خواست سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی غیر ممکن است .

رژیم خمینی با سیاست جنگ ترور و اختناقسی که در پیش گرفته ، در سطح بین المللی به مظهر جنگ طلبی ، تروریسم ، خشونت ، شکنجه و اختناق تبدیل شده است .

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برخلاف برخی مدعیان نمایندگی طبقه کارگر ایران که بنا بر این طبقه تا آخرین لحظه از رژیم فدهمه ارزش های انسانی قرون وسطایی دفاع کردند ، از همان ابتدای روی کار آمدن آن به ما هیت ضد



پیام به

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

رفقا، بمناسبت بزرگداشت نهمین سالگرد تأسیس سازمان شما صمیمانه تبریک و درودهای انقلابی خود را تقدیم مینمایم.

شش سال از مبارزه انقلابی و پیگیر سازمان شما بر علیه دیکتاتوری قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. سازمان کارگران انقلابی ایران از بدو تأسیس خویش با بینشی علمی سمی در افشای ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ایران را نموده و همدوش با سایر سازمانهای انقلابی از حمله حزب دمکرات گردستان ایران در مبارزه بر علیه رژیم بدون هیچگونه شبهه‌ای از ماهیت ضد انقلابی آن بیکار نموده است.

همسنگری پیشمرگان راه کارگر با پیشمرگان گردستان، غاما " پیشمرگان حزب دمکرات گردستان ایران که در راه استقرار دمکراسی در ایران و خودمختاری در گردستان مبارزه می‌کنند، ایمان راسخ سازمان شما را به حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت‌تسلیم ایران به ثبوت میرساند.

رفقا، هر چند در چند سال اخیر سیاست راستگرایانه فراقسبون شرفکندی- قاسلو حزب ما را تدریجا " از صف اپوزوسیون انقلابی ایران جدا ساخته و سیاست سازش با اپوزوسیون ضد انقلابی را جایگزین دوستی با احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی ایران و جهان ساخته که نهایتاً " انزوی نسبی حزب ما را در پیوستن اپوزوسیون انقلابی موجب شده بود. موقع گیری آگاهانه و بموقع رهبری انقلابی حزب دمکرات گردستان ایران و طرد فراقسبون مذکور و پشتیبانی توده های حزبی از این تصمیم تاریخی و انقلابی ثابت نمود که علیرغم تلاش فراقسبون شرفکندی - قاسلو در به انحراف گشاندن جنبش انقلابی گردستان، مبارزه حزب و خلق ما مبارزه‌ای است انقلابی و امیل که تا تحقق آرمانهای دیرین خلقمان ادامه خواهد داشت.

رهبری انقلابی حزب ما، در راستای تحقق بخشیدن به مفاد ده ماده‌ای که در اول فروردین ماه شصت و هفت اعلام شده تاکنون قدم های مثبتی برداشته است. احساس مسئولیت انقلابی در برابر جنبش ملی دمکراتیک خلقمان که در اعلام آتش بس یک طرفه با سازمان کومله و پایان دادن به جنگ برادرگشایی در گردستان نمایان می‌شود یکی از اقدامات انقلابی و بسیار مثبت رهبری حزب ماست.

در ادامه تحقق بخشیدن به همین مفاد است که حزب ما تاکنون با بسیاری از سازمانهای انقلابی و مترقی کشورمان ارتباط دوستانه برقرار کرده، که باشد مبارزه خلقمان با مبارزه سراسری گره خورده و همدوش با سایر نیروهای انقلابی و مترقی میهنمان سقوط رژیم قرون وسطایی جمهوری- اسلامی را تسریع و در استقرار رژیمی دمکراتیک هنگام باشیم. حزب ما خواهان دوستی با کلیه سازمانهای انقلابی و مترقی است رهبری انقلابی حزب ما معتقد است که در تداوم روابط و همکاری دوستانه با نیروهای انقلابی و مترقی است که امکان یک اتحاد عمل نهایی نیروها برای سرنگونی رژیم میسر میگردد. بار دیگر درودهای انقلابی ما را بپذیرید.

پیروز باد نهمین سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران

راه کارگر

متحکم باد پیوند مبارزه خلق کرد با سایر خلقهای ایران
حزب دمکرات گردستان ایران - رهبری انقلابی

کمیته خارج از کشور

پاویز ۲۲/۶/۸۸

اعلامیه
کمیته خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

علیه جنایت امپریالیسم آمریکا
وجنگ افروزی فقها مبارزه کنیم!

۲۹۵ نفر مسافر هواپیمای غیرنظامی در آتش جنگ فقها
وجنایت امپریالیسم آمریکا قربانی شدند!

ناوتکنهای آمریکا که با مطلع برای تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج و در حقیقت برای ابدی نقش ژاندارمی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس هجرت آورده اند، با تلیک هواپیمای مسافربری ایران و ساقط کردن آن در خلیج، جنایت دیگری آورده و ماهیت واقعی امپریالیسم و بی‌اعتنائی که ملل را نسبت به حال و سرنوشت انسانها بر ملاگرداند، این جامعه که مردم ایران را داغدار کرده است، یکبار دیگر بوسورت و خشتنا کی عواقب تند و موجگ ارتجاعی ایران و عراق را نشان داد. جنگی که با عتق فخر امپریالیسم در خلیج فارس است. بعد از این فاجعه ریگان از پیش آمدن "شراذی" آنها رتلاف می‌کنند اما بیشتر ما این عمل را دفاع ناوگان نظامی خود در برابر حملات تلقی می‌کنند. حکومت فقها هم شک تمساح میریزد و با اعلام عزای ملی و تهدید آمریکا به انتقام ویرانه انداختن هیا هوی خدا آمریکا می‌بخشند و عود می‌خواهند از توده های خشمگین و متغیر از جنگ را بفریبند. اما مردم ایران و همه بشریت آگاه از زلت املی پرویزین فجایمی بخوبی با خبرند. نه با سخ ریگان می‌توانند چیزی بکنند و زکرا امپریالیسم را بیرون نندوندند. انگ تمساح فقها تا در است که خشم توده های جان بدست آمده از جنگ ارتجاعی را می‌رساند. همیشه می‌دانند که داد جنگ شوش فقها و آتش افروزی آنهاست که امپریالیست ها را به خلیج فارس گشاندند و راه چنای تا آنها را با زگرده است. همه میدانند که این حکومت ضد انقلابی فقهاست که با خدا و جنگ، هر روز با عتق فجایمی این چنین می‌شود. چرا که تا جنگ ادامه دارد، کشتار و ویرانی هم هست. دیگر مردم می‌دانند که در جنگ شروغنگ با هم می‌سوزند و کشتار فقط محدود به جوانان و جگرگونگان نشان در جبهه ها نیست، بلکه کودکان و زنان و مردان مسافرها هم در این آتش می‌سوزند. بهمین ترتیب کارگران و همه مردم آگاه و مترقی ایران دریا نشسته اند که تا حکومت فقها برپاست، جنگ و مآذیب آن نیز وجود دارد.

هموطنان آزادخواه مهاجر، نیروهای مترقی و انقلابی!

در حالیکه مردم میهن ما در جنگ فجایمی می‌شوند، ما وظیفه داریم که از آنان به دفاع برخیزیم و این دفاع جز به معنی تشدید مبارزه علیه رژیم فقها و جنگ آنان نیست. در زمانیکه حکومت اسلامی در مرحله شکست نظامی قرار گرفته و اعتراف مردم ایران علیه رژیم و جنگ روز افزون است، ما میتوانیم با حرکات اعتراضی علیه جنگ بیشترین فشار را بر رژیم وارد آورده و با جنبش مردممان علیه رژیم و برای سرنگونی آن همراه شویم. ما ضمن ابراهیمیتکی و تسلیمیت به غارتگرانه های قربانیان این جامعه و ضمن ابراز انزجار از جنایات امپریالیسم آمریکا، همه هموطنان مهاجر و نیروهای مترقی و انقلابی را به ادامه جنگ و رژیم فقها و علیه خونریزی ناتوان در خلیج فارس فرا می‌خوانیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی
مرگ بر جنگ، زنده باد خلق، زنده بساد انقلاب
مرگ بر جمهوری اسلامی، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور
۱۴ تیرماه ۱۳۶۷ - ۵ شوشه ۱۹۸۸

نظاھرات ۵۰ هزار نفری در استاد یوم آزادی

با زی استا دیومرا تخلیه نکرده و با دادن شعسا رو پرتاب چوب و سنگ همچنین قسمتها شی زصدلیبها ی جا یگا ه استا دیومرا به آتش می کشند. ما مورین کمتته به قصد فرو نشانندن شورش خوا ستا رد خالت در ما جرا می شوند ما با مخالفت ما مورین شهر با شی روبرو شده و عملا در آن دخالت چندانی نکرده و در بیرون محوطه استا دیوم بحالت آماده باش بسر می برند. اما یکی از فرماندهان گشت کمتته داخل زمین چمن از مردم می خوا هد که استا دیومرا ترک گویند که با ما بت سنگ بزرگی بشدت زخمی می شود بطوریکه پزشکان داخل استا دیوم موفق به مداوای ما مور کمتته نگشته و ناگزیری را با آمبولانس بسما بیما رستان منتقل می نمایند. با تاریک شسدن هوا بتدریج جمعیت استا دیومرا ترک گفتمسه و بدادن شعاعلیه ۲ تن از با زیکنان حزب الهی تیم و بنیاد مستضعفان می پردازند. در بیرون محوطه استا دیوم نیز نظاھرات تا حدود نیم ساعت بطور پراکنده ادامه می یابد و در تاریک شعاعلیه های سیاسی هر چه بیشتری فریاد دزد می شود. درگیری های پراکنده ای نیز در بیرون محوطه با ما مورین گشت کمتته بوقوع می پیوندد. که در جری آن گفته نمی شود. حداقل یک ما شین گشت "پا ترول" واژگون شده است. ولی با عدم دخالت بیشتر کمتته چیهسا درگیریها فروکش نموده و رفته رفته جمعیت محوطه بیرون استا دیومرا نیز ترک می گویند. مردم آنچنان به خشم و خروش آمده بودند که کمتترین دخالت خشونت با رکمتته بمنزله ریختن نفت بسر روی آتش می بود و به شورش ابعاد گسترده تری می بخشید. از دستگیری احتمالی افراد هنوز خبری در دست نیست ولی بی شک این اعترافات در صورت تداوم با زیها مجدداً و ج تازه تری خواهد گرفت ولی فعلا تیم پرسپولیس بمنظور شرکت در با زیهای با شگا های آسیا شی روانه بنگلادش شده و هنوز هیئت فوتبال و سازمان تربیت بدنی در برابر این حوادث واکنشی از خود نشان نداده اند.

(ر) ۶۷/۳/۱۸

در استا دیوم پس از مدتی بحث پیرامون آخرین تحولات جاری در حالیکه با های خود را بر زمین می کوبیدند شما می دهند: مرگ بر بنیاد مستکبران. مرگ بر مظلومان رهبری رئیس بنیاد مستکبران. همچنین شعاعلیه به حمایت از علی پروین داده می شود. تا شروع با زی خواندن سرودهای اعتراضی شعاعلیه ها شی علیه بنیاد مستضعفان بطور تناوبی ادامه می یابد. از آنجا شیکه بسیاری از حاضرین تصور می نمودند این اقدام بنیاد مستکبران را تحریکات مردمی موافق و بر سرپولیس شرکت در با زیها را تحریکات مخالفان می دانند و در نتیجه محوطه زمین چمن جمعیت یکبار به چشم آمده و با سنگ و چوب و بطری از آنان استقبال می کنند. جمعیت علاوه بر هجوم به سمت با زیکنان و تکرار شعاعلیه علیه بنیاد مستضعفان با زیکنان تیم و با لافش ۲ تن از موافقین طرح پذیرش سرپرستی بنیاد دوبرکناری علی پروین را به فحش و ناسزا می گیرند. بخشی از جمعیت از بیرون محوطه اطراف استا دیوم را گرفته و می کوشند خود را به زمین چمن رسانده و مانع از برگزاری مسابقه گردند. اما پلیس ضد شورش و گارد شهر با شی مستقر در استا دیوم با توپ و مرمی جمعیت حمله ور شده و زمین را از جمعیت تخلیه می کنند. با شروع با زی هوو جنگال و شعاعلیه بیشتر یافته و با ساها هیچکس به جریان با زی اعتنا نمی کند بطوریکه در باقی وقت باقی جمعیت با خشم مسابقه نظاھرات بتدریج به یک شورش تمام عیار تبدیل می شود. با زیکنان تیم که قصد خروج از زمین را داشتند با هجوم جمعیت روبرو شده و بر اثر پرتاب سنگ و چوب موفق به خروج از زمین نمی شوند. گارد شهر با شی با زیکنان را در مرکز زمین محاصره می کنند تا از محلات جمعیت مصون بدارد. اما با ورود بخشی از جمعیت بداخل زمین زد و خورد و درگیری شدت بیشتری می یابد. ما مورین گارد شهر با شی با تمام تجهیزات ضد شورش جمعیت بیشتری را مجروح می کند. مسئولین شهر با شی از جمعیت با التماس تقاضا می کنند که استا دیوم را ترک گویند اما مردم تا نیم ساعت پس از ختم

تیم فوتبال پرسپولیس که پس از قیام عملا فاقد با شگا بود با تلاشهای علی پروین کا پستان سابق و مربی این تیم با ردیگر سروسان گرفت و بعنوان تیمی پرتغوز و محبوب و در عین حال مستقل، قهرمان فوتبال با شگا های ایران و تهران گردید و تا کنون نیز از قهرمانی خود دفاع نموده است. شهادت ارتجاعی حکومت اسلامی نیز از مدتها قبل سعی فراوانی کرده اند تا با استفاده از نام و نفوذ این تیم هویت مستقل آنرا مسخ نموده و از محبوبیت آن به نفع خود بهره جویی نمایند. ابتدا با اعمال غشای رومانی تراشی و محدود سازی امکانات سعی در تلاش این تیم داشتند که با همیاری بسیاری از دوستان در این تلاش خود ناکام ماندند سپس کوشیدند تا نام این تیم را تغییر دهند. ابتدا نام آنرا فریبکا رانه به "آزادی" تغییر دادند که با مخالفت تیم روبرو شده و سرانجام پیروزی را به آن تحمیل نمودند. آخرین این تلاشها برگزاری علی پروین و خود بیانی از مربیگری و سرپرستی تیم و واگذاری سرپرستی آن به بنیاد مستضعفان می باشد. این اقدام با مخالفت بسیاری از محافل ورزشی و منجمله مجلات ورزشی و دوستان تیم روبرو گردید. اما با دخالت دادستانی و تهدید مربی تیم اذیت و تحقیر در میا دین ورزشی تحت هیچ عنوان، نظاھرات بنیاد مستضعفان موفق گردید که سرپرستی تیم را بعهده گیرد. با شروع دور جدید با زیهای با شگا هی تهران از روز پنجشنبه ۱۳ خرداد ما هوا نکاس گسترده قضا با در استا دیوم جدیدی این اعترافات ابعاد تازه تری بخود گرفته و جمعیتی که برای دیدار دیگری گرد آمده بودند با دادن شعاعلیه "آما ده باش و بهره نبردی ما آماده باش" خود را برای مقابله و درهم شکستن این توطئه جدید آماده می سازند. عصر جمعه ۱۳ خرداد روز دیدار پرسپولیس و بانگ ملی اعلام شده بود و جمعیتی بالغ بر ۶ هزار نفر بمنظور اعتراض علیه سلطه بنیاد مستضعفان و برگزاری علی پروین در استا دیوم آزادی گرد هم می آیند. ساعتی قبل از شروع با زی جمعیت حاضر

آنها	لازم حکمت
آنها که بیشمارند	و آنها که ویران می کنند
چون مورچگان در زمین	و می آفرینند، آنها -
ماهیان در دریا	حماسه ما فقط از سرگذشت آنها می گوید.
بزدگان در آسمان،	آنها که تسلیم دروغ خیانتکار میشوند
	و پرچم هاشان را بر زمین می افکنند.
	آنها که ترسو،
	شجاع،
	نادان،
	دانا،
	و بی آرایش هستند،

نظا هرات گسترده زنان بندرانزلی

پنج هجاه اعلام می کنند که دولت به تمام کسان کپسول خالی تحویل شرکت داده اند، کپسول خواهد داد. این عقب نشینی رژیم در اتحاد و روند حرکت در بین مردم تزلزل ایجاد می کند. بعضی ها شعار "همین حالا" را سر می دهند، بعضی ها "وقت معین کنید" را فریاد می زنند و خیلی ها اصرار مسئله شان کپسول نیست، محلی یافته اند تا کینه شان را اندکی فریاد کنند.

سرانجام "حاج آقا" با این طرفداران گسترش این حرکت جلوگیری کرد. ولی مردم چیزی از دست ندادند و بسیار چیزها در عرض این چند ساعت آموختند، به قدرت جمع پی بردند، قدرتی را که با رایشی مقابل را از رژیم سلب نموده بود، قدرتی که رژیم را در مقابلش خوار و ذلیل می دیدند و بیرون آسان بود که تا روزها همه خوشحال بودند. جمع در حالی پراکنده شد که بر تمام چهره ها یک لبخند نقش بسته بود، لبخندی که بیشک بی معنی نیست، تجربه ای برای روزی دیگر، روزی که دور نیست. روزی که با این رژیم برای تسویه حساب میدان خواهند آمد.

تعدادی از فعالین آن روز این حرکت که توسط افراد سپاه شانس شده بودند، نیز روز پس از آن ده دستگیر شدند، چند نفر از آن پس از چند ساعت در پی یک با جزئی آزاد شدند و تعداد دیگر، هنوز از سر نوشتشان اطلاعی در دست نیست.

از آن را در خود نمی بینند. در اندک مدتی تمام ارگانهای امنیتی استان به حال آمده باش در می آیند و هنوز ساعتی از شروع نظا هرات نگذشته بود که احسان بخش، نماینده خمینی در گیلان و امام جمعه رشت در جلوی مردم ظاهر می شود. او با سابقه ای که از درگیری بهمن ماه در ذهن داشت، با عجز و لایه مردم را به آرامش دعوت کرد ولی مردم سالهاست که عجز و لایه مسئولان و ظاهرا سی آن را نمی بینند، احسان بخش طرفداران یک به یک رومی کند. از انقلاب و فدا انقلاب می گوید، مردم تحویلش نمی گیرند. از گوشه و کناره ها رایشی بر علیه وی و رژیمش بلند می شود، او از مردم اجازه می خواهد که مهلت دهند تا صاحب شرکت را پیدا کنند ولی دیگر کار را از این وعده ها گذشته است، شعرا را کم کم در تدرنگ عوض می کنند. حاج آقا ما موریت داده هر ترتیبی شده، این جمع را متفرق و ساکت گردانند. پیشنها می کنند، نفری چها رضو پنجاه تومن مردم بدهند، تا کپسول تا زه دولت تحویلشان بدهد. مردم هویش می کنند، صداها را از گوشه و کناره بلند می شود: "نگنداد صلا دولت در این کار دست داشته است"، "از دولت گداهر کاری بر می آید"، "گدائی از این علنی تر نمیشود"، "جنگ کفگیرشان را به ته دیگ زده"، "مرگ برجنگ" و... حاج آقا اوضاع را نا مساعود جور آمانده انفجار می بینند. زمزمه ها و تگ شعرا را کم کم دارند به شعراهای همگانی تبدیل می شوند. حاج آقا دست پا چه، دور بر بیها پیش را صدامی کند و پس از چند لحظه

اقدام به پر کردن آن نماید. مردم هم که سالهاست از کمبود گاز به ما شنیدند کمبودی نبود بقیه ما بحتاج اولیه زندگی در رنجند، کپسولهای خالی خویش را به شرکت تحویل می دهند. شرکت در اندک مدتی حدود سه هزار کپسول جمع آوری می کند ولی به جای پر کردن و استرداد آنها به مردم، اقدام به فروش آن در بازار آزاد، در شهرهای دیگری نماید. مردم پس از مدتی انتظار هیچ نشانی از استرداد کپسولهای خویش نیافتند، شرکت را نیز تعطیل می یابند. در نتیجه بیش از هزار نفر از مردم خشمگین و زحمتکش بندانزلی که اکثر قریب به اتفاق آن را زنان، در حالی که بچه ها شان را نیز به همراه داشته اند، تشکیل می دادند، طبق قرائن قبلی، همزمان در بوجوه روزها می که وابستگان رژیم در تدارک ۱۵ خرداد دیبوند، ابتدا در جلوی شرکت مزبور اجتماع کرده، از آنجا بطرف خیابانهای شهر به حرکت در می آیند. در اندک مدتی، با پخش خبر در سطح شهر هزاران نفر به این جمع پیوستند. سیل جمعیت لحظه به لحظه بیشتر گردید. شعرا را کم کم رنگ سیاهی پیدا کردند. "مرگ بر خمینی"، "مرگ برجنگ"، چکمه - پوشان رژیم وحشت زده برای مقابله با مردم و طو - گیری از اوچ گیری نظا هرات ظاهر گشتند. ولی شکست فضاحت با ریشی را که از نظا هرات قبلی (نظا هرات اول بهمن بمناسبت کشتن یک جوان توسط پاسداران در خیابان) و ترسی که از آن، از خشم گسیخته مردم بر ذهن داشتند، با رایشی جلوگیری

به سوی برپائی سمینا رپنجم کانونهای پناهنده در آلمان فدرال

انشعاب به خود هویت دهند. بنا بر این این دسته روندی روبه زوال را طی کرده اند. در این انشعاب ندا شدند. با این حال موضع کانونهای اصولی برای اجتناب از انشعاب در این شرایط درست بوده است. زیرا گرایش اصولی با اتکاء به اصولیت خویش و اتکاء به قدرت خود می توانست وجود یک فراقسیون سکتاریست ولی ضعیف را برای مدتی تحمل کند و آنرا از انشعاب زدودن منع نماید. ولی با این همه تنها پدیده ای است که این انشعاب چیزی نیست جز محصول فرعی رشد گرایش اصولی. بنا بر این خط اصولی و کانونهای حامی آن با پدید آمدن طبیعت برنا میهای خود را ادامه دهند و انشعاب مذکور را، شکست حرکت یکسانه خود تلقی نکنند. متاسفانه یک چنین تردیدهایی در سمیناها مبورگ بروز کرد و هنگامیکه کانونهای انشعابی تصمیم خود را اعلام کردند، بقیه کانونها که بخش اصلی را هم تشکیل میدادند، میتوانستند ر بقیه در صفحه ۱۳

نجات خود از زوال قطعی است؛ گرایش که دائماً میکوشد تا تیرایدنولوژیک شکلها و تجمعات مردم را شقه کند. سیر کلی این سمیناها در ضمن همین رشد گرایش اصولی و غلبه آن بر دیدگاه سکتاریستی است. نگاه به مباحث این سمیناها، منجملاً آخرین سمینا، برتری فکری گرایش غالب را بخوبی ثابت می کند. علاوه بر این آراء کانونهای متعلق به این دیدگاه، در هر چه رسمینا رپنجم ترا ز طرف مقابل بوده است و قوی ترین کانونها از لحاظ قدمت و قدرت بسیج به این گروه تعلق دارند. این واقعیت از چشم گرایش روبه زوال پنهان نبود. ولی با یست پیش از شکست، کاملاً راهی برای نجات خویش می یافتند. به این منظور با حرکتی از پیش از زمان ندهی شده، و با دست و پا کردن چند کانون که فقط برای چنین مواقعی ساخته شده اند، مثل کمیته فرایان فرانکفورت و ویسک فزومول حاضر و اما ده به سمینا را مدتها با اعلام

نمایان شد، در سمینا ردمشقات و آخن در فرمول - بندیهای روشن به اوچ خود رسید و در جریان سازما - ندهی نظا هرات ۹ آوریل در شهر کلن عملاً از یکدیگر جدا شدند. در واقع سمیناها مبورگ اعلام رسمی این انشعاب بود. متعین در این سمینا سعی کردند با نه قرار دادن نظا هرات ۹ آوریل و بزرگ کردن برخی اشکالات اجرایی آن، انشعاب خود را موجه جلوه دهند. ولی برای همه دست اندرکاران این برنامواضح است که این اشکالات تراشیها برای بزرگ کردن است. غیظ این منتقدین نه به علت اشکالات عملی این نظا هرات بلکه بخاطر موفقیت گرایش اصولی در سازمان ندهی این اقدام بود. و گرنه چگونه میتوان جنبه های مثبت این اقدام را که یکی از بزرگترین نظا هرات اعترافی پناهندهان در سالهای اخیر بود را دیده گرفت و اشکالات آنرا زیر ذره بین برد. این انشعاب البته دلایل دیگری دارد و آن تلاش مذبحوا نگرایش فرقه ای برای

گفتگوی بارضا علامه زاده

نویسنده، سناریست و کارگردان سینما

می‌خواهم روایتگر عشق پررنج "یارودیار" باشم



رضا علامه زاده، بنا می‌آشنا و مانند کارگردانی میهنان است. این آشنایی و مانند کارگردانی تنها به دلیل فعالیت‌های سینمایی رضا نیست، چرا که زمینه هنری فعالیت‌های او تنها به سینما محدود نمی‌شود. او به سلاح کاری قلم نیز دست زده و نوشته‌های نثری منتشر شده است. او همراه با فعالیت‌های بیست ساله سینمایی و ادبی‌اش در مبارزه انقلابی در صف عاشقان رهائی خلق نیزگام برداشته است. تا آن حد که به جرم "تلاش برای براندازی رژیم سلطنتی شاه و توطئه ترورشاه، فرح و ولیمهد" در پیدا دگا‌های رژیم شاه به حبس ابد محکوم شد.

این موجود نمی‌تواند روی الاصل، که حتی در یک نشست چندساعته به‌راحتی می‌توان به عمق مفاهیم پیش پی برد، تنها می‌تواند خصوصیات خوب بچه‌های محله‌های را که در آن‌ها بزرگ شده - خصوصیات خوب بچه‌های زرین نعل، شهباز و فوزیه تهران - را بی‌غل و غش و دوست داشتنی با خود دارد. خصوصیات دورانی که با کوله‌باری از خاطره‌های ماندگار، سخن از آن چهره‌اش را تا داب تروسر حال ترا همیشه می‌نمایاند.

رضا علامه زاده که اکنون ۴۵ ساله است، به عنوان یکی از برجسته‌ترین کارگردانان سینمای ایران در تبعید، روایتگر مرثیه‌های غربست و آوارگی و "مویه‌های غریبان" غربت به زیبا ترین

س: در باره کارها بی‌تان در گذشته و حال و نیز برنامه‌ها بی‌تان برای آینده، برایمان بگوئید.

ج: با سپاس از اینکه چنین گفتگو "شی را ترتیب داده‌اید، اگر حافظه‌م یاری دهد، تلاش می‌کنم تا به سوال شما پاسخی به اختتام نسبتاً کامل بدهم. من فعالیت هنری خودم را بعنوان فیلمساز سال ۱۳۴۸ شروع کردم، همان هنگام که در واقع دوران فارغ التحصیلی از مدرسه عالی سینما و تلویزیون را می‌گذراندم. بیشترین کارهای سینمایی من فیلم‌هایی برای کودکان و نیز فیلم‌های مستند بوده است. ضمن اینکه فیلم‌های سینمایی نیز ساخته‌ام. "ما گوش می‌کنیم" نوشته‌ی دکتر غلامحسین سعیدی، نخستین فیلم من بود که در سال ۱۳۴۸ آن را ساختم. اجازه ساختن فیلمی بر اساس این نوشته را، در دیداری خاطره‌ساز که من به همراه کرامت‌دانشیان و ویسلف‌آلیاری با دکتر سعیدی داشتیم، از او گرفتم. تا قبل از دستگیری ۳۴ فیلم "شب ممتد"، "داژو" "شاهد" را برای کودکان ساختم

و در عین حال دردآورترین شکل است. او، مثل همیشه ستیزنده با هنری که "سیاست عقیم‌کردن هنر را دنبال می‌کند" و مثل همیشه ستیزنده با هنر جباریست و جبار پرور، به گونه‌ای شاعرانه، چشم‌نواز و بیرنده، رسالت سینمای مردمی و متعهد را در غربت

که از میان آنها فیلم "دار" شناخته شده ترا زما بر فیلم‌های آن دوره است. در همین دوره دو فیلم سینمایی بنا می‌گذاشتیم "و فدا" "و فدا" که از لغزش‌های بزرگ فعالیت هنری من در این دوره بودند. من در همین دوره طرح‌ها و نوشته‌های زیادی برای ساختن فیلم داشتم، اما امکانات ضروری دسترس نداشتم.

در دورانی که در زندان بسر می‌بردم، به نوشتن روایت‌ها پرداختم. سه کتاب چاپ شده "تنه‌قطر درخت افرا"، "هنر آدمیان نخستین" و "هنر تمدن‌های پیشین" از کارهای این دوره است که دو کتاب آخری در سال ۱۳۵۹، بعنوان بهترین کتاب‌های کودکان، جایزه‌کانون کتاب کودکان را گرفتند. پس از رهائی از زندان، یعنی از اوایل سال ۱۳۵۷ تا هنگام تبعیدم، که حدوداً ۵ سال طول کشید، ضمن سخت‌درگیرکاری سیاسی و سازمانی، به فیلم‌مستند و دو فیلم برای کودکان ساختم. "حرف بزن ترکمن"، "ماهی سیاه کوچولوی دانا" که بسر

به جنبش و آموزش درآوردند است. با سپاس از اینکه دعوت‌مان را به "گفتگو" پذیرفته‌است. بهای صحبت می‌نشینیم تا به اختتام حرف‌های گفته‌ونا گفته‌بیرا مون خودش و کارها بی‌ش را از زبان خودش بشنویم.

اساس زندگی زنده‌یاد دصمدبهرنگی ساخته شده و نیز "خط شرجی" که پیرامون جنگ بود، سه فیلم مستند این دوره از فعالیت فیلمسازی من است. دو فیلم نیز با نام‌های "آقای بیمه‌ای" و "نقش" برای کودکان ساختم. البته من پس از انقلاب، در آغاز کار، طرحی را در رابطه با "جنبش چریکی" برای فیلم ساختن به کانون پرورش فکری دادم که تصویب نشد. در همین دوره نیز قصه‌داشتم "جای پای آهو" که آفتاب‌سی‌آزاد از "فونتا ما را" "سیلونه" بود را به ما زم‌قبل از فیلم‌برداری با مشکلات سانوسر برخورد کرد و کار متوقف شد. برخلاف شایعاتی که در آن هنگام پیرامون این فیلم طرح بود، این فیلم ربطی به حماسه‌سایا هکل نداشت. اما با زتاب یک حرکت چریکی در یک روستا بود. فیلمنامه "جای پای آهو" بعدها، برخلاف میل خودم که با چاپ سناریوها هم زیاد موافق نیستم، به چاپ رسید. تا قبل از تبعید من علاوه بر فعالیت‌های گفته‌شده، قلم‌ها و نوشته‌های متعددی نوشتم که در جنگ‌ها و نشریات هنری و



سیاهی مختلف به جا پ رسیدند .

در تبعید ، در آغز ، تلاش و کوشش من این بود که فیلمی تحت عنوان "هنرا بران در تبعید" بسازم . به همین خاطر سفرهای زیادی داشتم و به گفتگوهای زیادی با هنرمندان و نویسندگان متعدد ، بهرامین همین طرح نشستم ، که به نشست با دکتر ساعدی و نیز بزرگ علوی در برلین می توانم اشاره کنم . . . در محبوبه "تدارک کار" ، به ویژه تلاش برای تدارک مالی زنده با دکتر ساعدی در گذشت . من در مورد این کارها با ساعدی صحبت کرده بودم اما هرگز فکرمی کردم که کارها فیلم برداری از مراسم تشییع جنازه "ایسن عزیز آغز ز شود . از مراسم تشییع جنازه دکتر ساعدی ، پس از مونتاز فیلمی ۱۲ دقیقه ای با عنوان "آخرین بدرود با دکتر ساعدی" تهیه کردم که درجا های مختلف به نمایش درآمده است . فیلمی کوتاه که در واقع بخشی از طرح بلند پروازانه من ، دربارها ساختن فیلم "هنرا بران در تبعید" است ، طرحی که اکنون ادامه کار برای تحقیق اش ، عملیات متوقف شده است .

فیلم کوتاه "چند جمله" ساخته "رابرای کودکان ونجوانان در همین دوره تدارک دیدم و ساختم . این فیلم که بیان کننده و تلخ بخشی از زندگی کودکان ایرانی در آوارگی و تبعید است ، علاوه بر کسب موفقیت چشمگیر در میان هموطنانی که فیلم را دیده اند ، در بسیاری از کشورهای اروپا ، آمریکا و آسیای شرقی به نمایش درآمده و جوایز متعددی از جشنواره های معتبر دریافت کرد . برای نمونه ، جایزه بهترین فیلم کوتاه از فستیوال فیلمهای مهاجرین که هر ۲ سال یکبار در استکهلم برگزار می شود ، جایزه بهترین فیلم کودک از فستیوال جهانی فیلم تومار در بریتانیا که معتبرترین فستیوال فیلمهای کودکان است و نیز جایزه "فستیوال بین المللی مسکو که جایزه زوری مرکز بین المللی فیلمهای کودکان ونجوانان است را ، می توانم نام ببرم . بدون تردید اگر مکانات بخش مناسبی در اختیار داشتم ، این فیلم به گونه ای وسیع تر پخش می شد و موفقیت های بیشتری کسب می نمود . ایستادن فیلم در مراسم مختلف هنری و سیاسی در خارج از کشور به ویژه در مراسم گونی که شکل های مختلف پناهنده های بر گزار می کنند ، برای هموطنانمان به نمایش گذاشته شده است . در باره به نمایش این فیلم و نیز فیلم "آخرین بدرود با دکتر ساعدی" سخنرانی ها و مباحثه های گوناگونی نیز داشتم ، که سخنرانی پیرامون "هنر تبعیدی یا هنر در تبعید" که در لس آنجلس برگزار شد ، با زتاب گسترده ای در باره ای از رسانه های گروهی آمریکایی و ایرانی در آمریکا داشت .

درگیر بودا و پخش فیلم "چند جمله" بودم که ما برای پناهنده های یک زن ایرانی در هلند ، جرعه ای در ذهنم زد تا دربارها "آوارگی و مهاجرت" یک فیلم سینمایی بسازم ، کاری که حدود ۳ سال اندیشه ساختنش در ذهنم خانه کرده بود . ما چرا این بود که زن حامله ای که فکرمی کرد اگر او را هلند شود و در آنجا فرزندش بدنیا بیاید مشکل اقامت حل خواهد

شد و به او پناهنده گی خواهند داد ، به هلند پناهنده . می شود . اما . . . در فرودگاه هلند و در قرنطینه فرودگاه او را دیده اند که ما بیوس از دریا فت ویزا اشک می ریزد . . .

سناریوی "مهمانان هتل آستوریا" را پس از شنیدن این ماجرا ، نوشتم . اول خلاصه آن را و بعد مفصل تر . . . بعد از آنکه مقدمات کار را فراهم کردم راهی لس آنجلس شدم و دربارها زنگت سه چهار ماهه سناریو را تکمیل کردم . البته این یکی از ویژگی های من است که روی کارها به ویژه فکر کنم و حساسیت نشان دهم اما وقتی شروع به نوشتن می کنم خیلی سریع پیش می روم . اکنون فیلم "مهمانان هتل آستوریا" که یکسال و نیم روی آن کار شده است ، مراحل پایانی خود را می گذراند و تقریباً آماده است . در حال حاضر من طرح ها و نوشته های دیگری نیز دارم که مکانات محدود مانع از کار روی آنها شده است ، که بی تردید اگر چشم اندازی برای عملی شدن این طرح ها می دیدم ، بیش از اینها می توانستم بنویسم ، طرح را شده و فیلم بسازم .

اما دربارها فیلم "مهمانان هتل آستوریا"

"مهمانان هتل آستوریا" در واقع مرثیه آوارگی و غربت است و تلاش من این است که در این فیلم بیامرزمان آنچه که حافظ می گوید و من در تیتراژ فیلم آورده ام ، باشم . بیایم که زمزمه اش در وجود ما حساس غریبی در غربت پدید آورده و می آورد ، بیایم این است :

بیایدی و بیایدی را چندان بگیریم زار

که از خجانه ره و رسم سفر براندازم

من می خواهم در این فیلم با قرار دادن اساس کارم بر پایه های عماره "بیام فوق رؤا" بتگر عشق پر رنج "یا رودیا" در تبعید باشم . در این فیلم هیچ چیز ساخته و پرداخته نشده که بنیان غیر واقعی داشته باشد . اگر چه داستان است خلق شده و با راهی از قسمت های پیش عینا آنگونه که در فیلم آمده ، اتفاق

نیافتا ده و تا حدودی محصول بازی ذهن من است ، اما این ذهنیت از عینیت وقایع مشابیه ریشه گرفته است . تنها گرایین فیلم ، در غربت ، شاید وقایعی را که می بیند برای خودش پیش نیا مانده باشد . اما وقایعی مشابه آنچه که در فیلم آمده را در مورد اطرافیانش دیده است .

حکایت این فیلم ، حکایت آوارگان و مهاجرین است که گریزگاران ترکیه بوده است و بسیاری از آنها "هتل آستوریا" و یا هتل های مشابه آنرا می شناسند . من نیز که نخستین گریزگاران ترکیه بودم ، ۲ ماه در هتل مشابه هتل آستوریا زندگی کردم ، زندگی ای که از همان هنگام منظره های ساختن چنین فیلمی را در ذهنم نشان داد . ما چرا این فیلم دربارها تعدادی از ایرانیان گریخته از جهنم خمینی است که قاچقی ای آنها را به ترکیه آورده است و در هتل آستوریا که رابطه ای بین قاچاقچی و مدیرش برقرار است ، اسکان داده است . این هتل اقامتگاه موقت مهاجرینی است که قصد مهاجرت به کشورهای دیگر دارند . در این فیلم که صحنه های گوناگونش در کشورهای هلند ، ترکیه و آمریکا تهیه شده و گاه روزانه ۱۲ تا ۱۳ ساعت مداوم و مفرده برای تهیه این صحنه ها کار شده است ، من سعی کرده ام تا شخصیت های متعددی در سرگذشت آن ها و نیز ماجراهای رخ داده پیرامون زندگی و آوارگی شان را مورد بررسی قرار داده و دنبال کنم .

در این فیلم زندگی در تبعید و آوارگی زنی ساده که در یک کودکستان کار می کرده (شهزاده آغداشلو) و با شوهرش راهی مهاجرت شده است را دنبال می کنم ، همچنین زندگی و سرگذشت خانواده ای تازه به دوران رسیده که وضع مالی بدی ندارند و قصد سفر به فرانسه کرده اند ، کاراکتر و سرگذشت یک تیب سیاسی ، زندگی و سرگذشت خانواده ای شهریستانی که . . . را نیز در این فیلم دنبال می کنم . در



این فیلم هنرپیشه‌های با تجربه و پراورزی بازی می‌کنند که به اعتقاد من بسیاری از آن‌ها بازی - های درخشانی ارائه داده‌اند. هنرپیشه نخست فیلم شهره آغداشلوست و هنرمندان گرانقدری همچون ناصر رحمانی نژاد، محسن مرزبان، بهرام وطن پرست، هوشنگ توزیع، ثریا مفید، ویداقهرمانی، کامران نوزاد و... در این فیلم با من همکاری کرده‌اند. مدیر فیلمبرداری یکی از فیلمسازان موقی آمریکا شیست و فیلمبرداریا رید با هسری است. هدا بردا و فیلم یوسف شهاب یکی از با ملاحیت ترین صدا برداران سینمای ایران است و موزیک متن فیلم را آتنگس زنا مداراسفندیارمنفردزاده خواهد ساخت که ظرف هفته‌های آتی آن‌ها خواهد شد. این فیلم با یاری مالی راق پویا و به قیمت زیر قرض رفتن بسیاری از دوستان و آشنایان به پایانی ترین مراحل خود رسیده است. تلاش این بود که فیلم را بتوانیم برای فستیوال کسان آماده کنیم اما مشکلات نگذاشتند!

روزگارمدا و موفشرده نیز در خیابان‌ها و فرودگاه استانبول، بعنوان اینکه یک فیلم ترکی میسازیم، توانستیم با زبلی‌های زیادوگاه مخفی کاری! صحنه‌های را که مورد نظر بود، بسا زیم، ضمن اینکه همکارهای یک گروه فنی ترک نیز در این رابطه، در پیشرفت کارمان نقش پراهمیتی داشت. برای کسار در فرودگاه آستردا مهندسی مشکلات زیادی داشتیم که توانستیم با پرداخت میلیتی حدود ۴۶ هزار مارک با بت اجازه چند ساعتی قسمت‌های از فرودگاه برای فیلمبرداری و نیز رفع موانعی دیگر، به مشکلات کار در هلند غلبه کنیم. بهرگونه من نسبت به موفقیت این فیلم در زمینه‌های مختلف خوشبین هستم. در باره این سوال که برنام‌های آینده چیست؟ باید بگویم که واقعیتش این است که قصد ندارم سریا

پای ساختن یک فیلم سینمایی بروم. منتظر خواهم ماند تا تکلیف فیلم "مهمانان هتل آستوریا" روشن شود، چگونگی و کیفیت تا شریکداری این فیلم در داخل و خارج از کشور برابم سخت پراهمیت است، بویژه تا شریکداری کار در داخل و واکنشی که نسبت به آن بروز خواهد کرد، در واقع اصل ماجراست. مساله بازگرداندن پول ساختن این فیلم، برای بسا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، پول کسانیکه بدون کمترین چشمداشتی، هزینه تهیه این فیلم را تقبل کرده‌اند، کارهای کوتا‌ه برای کودکان را دنبال خواهد کرد، اما در فکرتا ترهستم، دوست دارم کارتا تربکنم و در این رابطه طرح‌هایی نیز دارم.

نکته‌ای که در رابطه با تهیه این فیلم گفتنی است اینکه، ما برای تهیه صحنه‌هایی که می‌بایست در ترکیه فیلمبرداری می‌شد، مشکلات فراوانی در برابرمان داشتیم. اولاً این فیلم سیما و آتسی و کریمه رژیم ترکیه و پلیس آن کشور را بویژه در برخورد با پناهندگان نشان میدهد، بنا براین تهیه صحنه‌هایی که بیاتنگرایین مسائل با شنند در ترکیه عملا سخت مشکل بود، تا نیا همانگونه که مطلع هستید فیلمبرداریا ریحی در ترکیه اجازه فیلمبرداری نداد و کسب چنین اجازه‌ای بسیار مشکل و تا حدی غیرممکن است. ما پاره‌ای از صحنه‌های فیلم را با بازسازی هتل آستوریا و وضعیتش شبیه به وضعیت ترکیه، در آمریکا ساختیم، اما با

جوابیه یک کمونیست به ترهات ضد انقلابی منتشره در کیهان لندن

مهرهای مهم زدستگاه سرکوب دولت فاشیستی شاه را در کنگر جمعیت یافتند، پس از دقا یقینی

کمونیست‌ها تظاهرات ضد جنگ در پاریس را بیهوده زدند

ساعت ۱۸ روز جمعه ۲۵ مارس ۱۹۶۷ در پاریس تظاهرات برای اعتراض به جنگ ایران و عراق در جلف سواکن برگزار شد. تظاهرات در پاریس جمع شدند. من پرورد ساراکی و دماوری انسانی است و هم روس، کاش با پی می‌شکست و نی سارتدگی داشتیم تا اشی و عقب رفت تا شاهد واقعه تار آوری باشیم. اندکی و می‌سایه شورش خود را در ایران انداخت که همین کمونیست‌ها و گروه‌ها و دسته‌های مخالف، با زور و برهنگی از ابراهیم در عمل جمع شده بودند تعدادی در حدود بیست نفر از حاضرین که بعداً فهمیدم کمونیست هستند جوانی را مورد حمله قرار دادند و با کلمتی نظیر ساراکی و شکستجو اجتماع مردم را که برای اعتراض به جنگ در پاریس تظاهرات کردند و اگر تظاهرات جوانی فرانسه تیر خاید جوان مزدور سرتوت ساراکی‌های وقت که در موقع انقلاب شکوهمند همین کمونیست‌ها و سپاه انقلابیون تکه پاره شدند دچار شدند. من یک بزنک کهنال آبی سرخ، من یک بزنک کهنال آبی سرخ که می‌خواست شغل موانی داشتند و دکتر مرتضی فریما

تا مل و مشورت، خشم و انزجا ر کمونیست‌ها که ترجمان نفرت عمومی همه ترقی‌خواهان و مردم ستمکشیده میهن ما است، نشان این جنا بیکار بنام شد و در ملا عام افشاء گردید. این اعتراض و افشاگری انقلابی، نشان

در پاسخ به نوشته‌های در کیهان لندن از جانب یکی از رفقای خواننده نشریه، نوشته کوتاهی بهمراه بریده کیهان لندن بدستمان رسیده در این صفحه بنظر خوانندگان می‌رسد.

کمونیست‌ها، در هیچ کجا، از افشاء و لعن ساواکیها و سایر جنا بیکار را، دست برنمی‌دارند!

روز ۲۵ مارس، در اعتراض به جنگ ایران و عراق، صدها تن ایرانی در جلوی ساختمان سازمان یونسکو در پاریس اجتماع کرده بودند. ترکیب جمعیت کاملاً متنوع بود. بنحوی که هر دسته‌ای دسته دیگر و افراد بسیاری، همدیگر را بیگانه می‌یافتند. همین تنوع و بیگانگی، آدم‌ها را کنجکا و تر کرده بود. در این میان کمونیست‌هایی که در زمان تسلط رژیم شاه ملعون، بدست عمال جنا بیکار رسا و اک‌شکنجه و با زجوشی شده بودند، رسولی جنا بیکار را این شکنجه گرمسروف و

دادگاه ساواکیها هر قدر هم بکوشند، خود را در لباس مخالفین بی‌عدالتی و جنگ و جنایت، مخفی کنند، افشاء خواهد شد و جاشی در چنین مفوقسی نداشتند.

ساواکی جنا بیکار دیگری که بنام "دکتر مرتضی فریما" در کیهان لندن، نوشته است: "کمونیست‌ها تظاهرات ضد جنگ در پاریس را بیهوده زدند" بخوبی می‌داند که کمونیست‌ها، در هیچ کجا، از افشاء و لعن ساواکیها و سایر جنا بیکار را، که اسم خود را دکترترین می‌گذارند، دست برنمی‌دارند. بنا براین همانطور که آرزو کرده است: "کاش با پی می‌شکست و نمی‌رفت" بعد از این، ایشان هم - اگر هویتی واقعی دارد و ساحت ذهن گردانندگان کیهان شاهنشاهی نیست - نباید از این غلط‌ها بکند و پایش را به چنین مجامعی (که شرط افسل آن آدم بودن و جنا بیکار نبودن است) بگذارد.

مهندس مطفی فریما
پاریس

سخنی دربارهٔ شکل‌های دموکراتیک

برای ما ایرانیان، شرایطی که طی آن بتوان جامعه غیر فئودالی را بدون دخالت پلیس، بی دلبره بازداشت، بدون نیاز به ظرافت‌های ناشی از لزوم بازی با بیخ و خم "قانون" و نهایتاً بدون باران سنگ و آجر و گلوله و حضور امتعزالی‌ها تشکیل داده تا زکی دارد، هر چند در اروپا اینگونه آزاد بها مربوط به دورهٔ رنسانس می‌شود.

طبعاً، وجهی اولیه مهاجرین ایرانی در برخورد اول با این محتمل گشته در میهن و بازمانده در غایت قرب آگاهانه و ناآگاهانه در صدد برآوردن آنرا بنویس از بیخ و خمهای ذهنی شکل گرفته در شرایط نبود این ابتدایی ترین آزادی عبور دهند.

اگر بتوانیم بپذیریم مهاجرت به اروپا را بلحاظ ترکیب پناهندگان ایرانی به دو دورهٔ قبل و بعد از تودای شدن مهاجرت یعنی سرزیر شدن موج ایرانیان غیر مرتبط با جریانات سیاسی - تقسیم کم روید به موضوع آسانتر خواهد بود.

در مرحله دوم علاوه بر ترکیب پناهندگان، مصومن و گستر دیگی نیازهای آنان نیز تغییر کرد. اگر در دوران اول رسیدن به نیازهای مادی و معنوی اشخاص در غرب، تحتالشیاع مبارزه برای انشاء مذهب رژیم اسلامی ایران در نزد افکار عمومی جهانیان قرار داشته، در دورهٔ بعدی با محو شدن دوریهای کوتاه مدت غربت نشینی از افق مهاجرت، نیازهای مشترک عامتری در عرصه دفاع از حقوق پناهندگان و پاسداری هنر و فرهنگ ایران و زینت ساز گرد آمدن محافظی از ایرانیان برای برداختن به این نیازها بود.

در دوران باز تولید اختلافات سیاسی جامعه در این محافل (تشکلهای دموکراتیک ایرانیان در خارج از کشور) امری طبیعی بود.

آنچه در دوران اول دوم ثابت ماند و بنا به لولای اتصال

دو دوره از حیث تشکلهای ایرانیان در خارج از کشور عمل نموده گردانندگان تشکلهای و فعالین و علاقه مندان کارهای دموکراتیک بود. با توجه به شرایط تاریخی - اجتماعی حزبیت و کارهای سازمان یافته تودای سطیقاتی در ایران و علیرغم افزایش تعداد پناهندگان به مقیاس وسیع در دوره دوم و همچنان عناصر دارای تجربه در امور جمعی و برنامه ریزی شده صرفاً در صفوف فعالین حال و گذشته سازمانهای سیاسی بودند.

برای می بردن به میزان غیر عادی بودن این پدیده کافی است، توجه کنیم که در کشورهای دارای فرهنگ اجتماعی حزبیت و سابقه زبانهای تودای مثل اروپا و حتی برخی کشورهای آمریکای لاتین توده بسیاری از جوانان از سنین پایین به بزرگی و انجمنها و نهاد های مختلف جمعی می پردازند و فعالین سیاسی و کارهای احزاب مختلف از میان این عناصر انتخاب می شوند. اما در ایران فعالیت اجتماعی بیروزه در ده سال اخیر جز بمعنی کار در سازمانهای سیاسی نبود است.

بحث بر سر آن بود که در دوره دوم نیز همانندی تجربه کار جمعی را داشتند که در دوران اول اما سازمانهای دموکراتیک، ایرانی در کار برخورداری از تجربیات مثبت، نیروی کاری بی حد و مزه و ابتکار گزاره این نیروها از تأثیر سود بدگاههای آنها را می دروزد و امروز این فعالین هم بر کارشان مانده.

قبل از هر چیزی تأثیر یک ویژگی همه گیر سالهای انقلاب قابل مشاهده است. در این دوره در هیچ سطحی نهاد های دموکراتیک بمعنی مشارکتی وجود نداشتند چیزی بنام سازمانهای جوانان، دانشجویان، زنان، دانش آموزان و... که سازمانی صنفی - تودای را هدف خود قرار داده باشند نه هرگز بوجود آمد و نسه یک نیروی جدی به صرافت تشکیل آن افتاد.

در عرض نهاد های هواداری در همه سطوح در جنب سازمانهای سیاسی رویداد گرفتهٔ خرجریان سیاسی خود را موظف می یافتند تشکیل برای دانشجویان، دانش آموزان، محلمان، نویسندگان و حتی کارگران پدید آورد. که اولاً از هواداران خود جریان مادر تشکیل شده بودند و ثانیاً اهداف اصلی شان تبلیغ مبانی عقیدتی سازمان مادر بود. این نهادها حکم ترغیبی های برای عضوگیری از دنیای خارج بودند. اگر اعلامیه‌هایی در رابطه با مسائل مختلف می‌تولید

دانش آموزان، کارگران، زنان و غیره صادر می‌شد برای این بود که نشان داده شود که تا فلان سازمان چقدر بزرگتر آنها است تا آنها هم بعنوان قدر شناسی صرف نهاد هواداری بنیاداً حسی سازمان مادر را برکنند.

در آن دوره هیچ دودی برای ایجاد سازمانهای واقعا دموکراتیک و صنفی و اتحادیه‌ای وجود نداشت سازماندهی تودها و تربیت خود پیوه آنها از نظر فرقه‌ها یعنی دیگری جز افزودن بر عرض و طول سازمان حسی نداشت. این فرقه‌ها بجای دست زدن به تشکیل طبقاتی کارگران سازماندهی

دموکراتیک تودای می‌باشند میلیون مد ... می از مردم دعوت می‌کرد که در سلک مویشا و باور کنندگان به مبانی عقیدتی مقدس این فرقه‌ها درآیند. ایمان باور پیوسته تا رها شود. بجای "مشکل شویید تا رها شویید". البته این توده هنوز هم وجود دارد که می‌توان طبقونها نقره‌های را در حزب خود و سازمانهای جنبی هواداری تشکیل کرد. نقد اشکال کار در این است که مردم هنوز به بنوع این رهبران و مؤفقیت آنان می‌نبرند مانند و این رهبران مواجه با کند - نمیی و ناسیاسی در انتظار روز میوهی که حقانیت ترغیبان عیان شده و امت تیرنده برای بیعت رو به سوی آنان گذارد روز شامی می‌کنند.

نیروهای فعال پیشگام در ایجاد و ادامه کاری تشکلهای ایرانیان تجربه عقلی و دید نظری خود را از چنین ارضایی بر گرفته بودند و بالطبع دید روشن و حتی گاه اعتقاد صوری هم به لزوم سازماندهی پناهندگان حول مسائل بزرگ و کوچک ناشی نداشتند. لذا تشکلهای بوجود آمده تحت زمامت این نیروها علیرغم تعداد کربهای افراد بسیار محدود، هواداران جریانانات و بلوکهای سیاسی فزایندهٔ این شکست‌ها تیره‌تر هم شد و از جمله گشته شد. در شرایط ایران (۱۴) اول باید سیاسی شد و بعد وارد جریانهای دموکراتیک شد. مصححتر از این نمی‌شود. به واقعیت نهاد هواداری بودن این تشکلهای اعتراض نمود.

مدتی است که وجود انبوهی از جریانات شکست‌تافتهٔ با بحث را در حیطه نظری از "پیش بینی شکست احتمالی" به "بررسی علل شکست و راه برین رفت" ارتقا داد ما مست تجربیات گذشته باز بینی می‌شود ولی شرایط جدید کتر پاسخ جدید می‌یابد و هنوز سا به سنگین دم های گذشته در رواندگی نظری در یافتن راه‌ها و اصول ناظر بر سازماندهی وسیع ترین انتشار ایرانیان با تلخی احساس می‌شود.

ذهنیتی که با منافسی چون لزوم پیوند با توده‌ها و حرکت سازمان یافته برای رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی‌هایی توسط خود آنها (نه توسط بزرگندگان و نخیمان به نیابت از طرف توده‌ها) بیگانه است و در وادی بیرونیسم سرگردان حل جنگ فرقه‌ها بسود فرقه خود است. از این مباحث چیزی جز "توطئه" برای زدن نقب آتش جویی با ملنزمین رکاب نقبها نمی‌تواند ببیند.

هنرمطور فریبم آبرو باخته در شرایط ورشکستگی سیاسی حاصل از بزرگترین نتایج شیانتکارانهٔ برای رشد فرقه خود (حیث رونق بساط از نظر داشتن قربانی کافی برای درگناه و لاپت فقیه دیگری) چشم زدن به رسان "تشکلهای دموکراتیک" را فعلاً بهترین عرصه می‌داند.

علت گذار از کیفیت برخورد این دو جنبش نسبت به کارهای دموکراتیک در سالهای بعد از انقلاب (اعلام نهاد هواداری بودن تشکلهای "دموکراتیک") به وضعیت عمومی (انتخاب اغلب و اساس مستعار "دموکراتیک") را نمی‌توان در مطلقاً خود آنها یافت. اما مسئله از چه قرار است و این تغییر چگونه قابل توضیح است؟ واقعیت آنست که در بلوک بیرونیست کیمت نیروی هوادار هر یک از فرقه‌ها پشیمای کف راه انداختن تشکیلات هواداری مستقل را نمی‌کند و تشکیلات هواداری مشترک چند جریان در حالی که اختلافات داخلی یک جریان با گسترش و سلاح حل می‌شود، فقط می‌تواند به ظهور مهدی موکل شود. لذا در یک پیوستهٔ بیگانه‌تیمی نیروهای مزبور بدینجا رسید مانند که تشکیلات مشترک هواداری را بر مبنای تنها فعل مشترک قابل اتکای خود (مخالفت با طبقت تودای) بنا نینهند و بعنوان سبیل گرگشای این بند و پشیمای سیاسی و حزبی عنوان تشکیل دموکراتیک را هم زینت بخش این حاصل شکنندهٔ سازمانها و

اختلافات سیاسی بکنند که هر تحولی در دورهٔ ما مابین این جریانات می‌تواند بصورت تنشهای ناگزیر حیثات آنها مورد مخاطره قرار دهد.

در این زمینه شایان دقت آنکه هر جا که نیروهای هوادار یکی از این جریانات پشیمای کف راه انداختن "تشکل دموکراتیک" را کرده است، و هواداران دیگر جریانات ویژه همی به حساب نمی‌آید مانند و بدون آنکه الزام بهم خوردن توافق در دیگر موارد را فراهم آورد باشند. راساً اقدام به تشکیل نهاد هواداری (برابر معمول با اسم مستعار) کرده و آنرا مابلیک شخصی خود اعلام کردند - به اینصورت که با اندکی سختگیری در بده و بستان های سیاسی یا حرف را از میدان به دور کردند یا آنها را به تنگن راه دادند. اند این حادثه خوش بین در ادبیات سازمانی این جریانات اینطور بیان میشود "بروتالیسم" (بخوان وکلای ادعای این) بدون دادن امتیاز به خود، بورژوازی رهبری را در دست دارد. (۱)

در جبهه شکاری دزد و دوستان در روین فافله وضع بسا حفظ اساس مشترک عدم اعتقاد به سازماندهی تودها وضع به سؤال دیگری است. اختلاف در دو نکته است. اولاً "کسوس" رسوایی فضا حسی که در بارگاه حرم خلالت بالا آمد، و بلندتر از آن بعداً در آمده است که عنوان سازمانی حضرت چیزی جز نفرت در مردم برانگیزد. ثانیاً "نیروی خودی" این جبهه اهرچند با توسل به دامن نیروهای بی آبروتر از خودشان در اینجا و آنجا می‌توانند حد متعارف نیروی ایجاد هسته مرکزی مسلط بر یک جمع بزرگتر را دست و پا کند. حاصل این دو ویژگی پدید آمدن نهاد هواداری با اتوریته متعزز، نارخ از جا روجنجالها؛ ناگزیر در نهاد های شاخه نوع اول بانصام کلیه ترغیب های لازم برای سرانز کردن امکانات فراهم شده از این طریق به سوی تشکیلات حزبی است.

بر طبق قاعده در نهاد های نوع اول نمی‌توان از اتوریته واحد و متعزز برخورداری بود اما در نوع دوم از این نهاد های هواداری فرامین سازمان سیاسی مابلیک تشکل به میثت نبود حرف دیگری (اگر چند سلطنت طلب بی ربق را حرف این افمی های مارخورده حساب نکنیم) بی هیچ نامی در نامی تشکلهای از این دست جاری می‌شود. تصمیم یکفر در مقام سلولیت تشکل های خارج از کشور، براراده نه تنها نامی اعلا، بلکه برای زبری این تشکل ها نیز غالب است.

سازمانهای سیاسی دسته اول بالضیح نمی‌توانند از چنین شمش "در حسیب" "دموکراتیک" خود برخورداری باشند. لذا با استناد به این ضعف ناخواسته می‌خواهند خالص بودن دموکراسی در واحد های ائتلافی هواداران خود را دلیل بیاورند.

این نیروها سعی دارند بحث بر سر موازین ناظر بر سازمانی وسیع ایرانیان را بعنوان جاهتزی برای انتخاب متحد حزبی قلداده کنند و سپس آنچه را که بیس خود بعنوان نتیجه این بحث مرم می‌کنند (سازس سرگینانه و صنی باطن) تودای مورد سؤال و اساس جنجال و ناستاز قرار دهند. آنها با نفس تنلیل بحث به بند و پشیمای کاسپیکارانه در انتخاب متحد حزبی مخالف نیستند چرا که خود از این نقطه برای دسمد با بی به وحدت بر تاقس بر سر ایجاد سازمان ائتلافی هواداران عزیمت کرده‌اند. بلکه نگرانی آنها از این است که بحث جریانتیبه مورد نظر آنها را بیرون نمی‌دهد از نظر آنها هر نتیجه‌گیری دیگری از این بحثها غیر از تصویب فرمولبندی یک بلوک سیاسی ائتلافی مطابق نسخه آنها توطئه است که باید ضد انگشت حزب توده را در آن جستجو کرد.

و این در حالی است که بحث نظری در این مسئله صرفاً ناشی از ضرورت دادن امکان تشکل آزادانه و رکب به سازمانی وسیع مهاجرین ایرانی در یک فضای دموکراتیک است. و اگر در این میان چند عنصر ضریف راست هم لغمان ورود به جمع را می‌بایند نه بر مبنای توافق و ائتلاف عقلی یا ضعی قبیلی بلکه ناشی از آن است که اولاً "هویت سیاسی و شخصیت فردی از نظر حقوقی و عقوله جدا از هم هستند" (هر چند بلحاظ روانشناختی و دیالکتیکی با طبقاتی می‌توان روابط نزدیکی را بین آن دو سراغ کرد) مثلاً "می‌توان با هویت سیاسی

ح - آشنا

تصویر *

- * شب ،
- حریق صبحدم
- شعله های روز
- بانگ آشنای دور دست
- هق هق گلی نشسته در درون خار
- زهر خندیا س
- خوشه های سروا رغوان
- بشت بیک نور ،
- توسن سپاه ،
- شبهه می کشد
- ردسما و
- برتن کبود خاک سرد
- در آشناست
- او حریق صبحدم را فرو نشاند ،
- او ،
- او که بی مولد در افق ،
- ایستاده است !
- او که جان ارغوانی شفق ،
- هر سپیده می کشد به نیش
- باز شب ،
- با زحریق صبحدم
- ارغوان آبی سپید
- با ز در تلاش
- ببگرید !
- اخگر امید ،
- قطره قطره می چکد به ژرفنای شب

خبر هنری

«سیروس ملکوتی» هنسگازوگیتا ریست ، روز بیست و پنجم ماه یونی (جون) ، در شهر فرا نکف سورت کنسرتی برگزار کرد. در این برنامه مهابا کیتیار قطعات «فانتزی ماهی سیاه و کوجولو» که بر اساس داستانی از مذهبهرنگی ساخته شده است و «نیش» «مرشیدای برای ساناز» که به یاد دختری خردسال ساخته شده که در حین فرار خانوادهاش از ایران در آبهای خلیج فارس طعمه کوسه شد و... نواخته شد. این قطعات از ساخته های «سیروس ملکوتی» است .

نبروز

به مناسبت بزرگداشت نهمین سالگرد تا سیس سال زمان کارگران انقلابی ایران (راه - کارگر) ، هواداران سازمان نبروز اقدام به برگزاری جشنی نمودند که با استقبال گروهی از هموطنان عزیز و فعالین سربلینروهای سیاسی روبرو گردید . این برنامه شامل تاریخچه سازمان ، سخنرانی پیرامون برنامه سال زمان ، موسیقی بود . برنامه با اجرای سرود انترناسیونال خاتمه یافت .

از فراموشیها متهم می گردند اما تا این بجای آنکه ناس از اتهام زندگان باو بیاف برده باشد ، امروز از خردمندی و نیرنگی گرامی حکایت دارد و حتی دشمنان گرامی هم نمی توانند دفاع مافوقه او از آزادی و دمکراسی و ستیز هشیارانه اس با فاشیسم موسولینی را منکر شوند .

نقی لیبرالیسم بورژوازی تنها از دیدگاه دفاع از دیکتاتوری اکثریت جامعه می تواند مورد دفاع پرولتاریا باشد نه از موسسه استبداد شرقی ، چرا که اولی علاوه بر حفظ و تمسوق آزاد بیابن سیاسی بنیادی یعنی آزادی عقیده ، بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اعتصابات و تشکل بدون قید و شرط برای تمام شهروندان مسا می خواهد بر خلاف دموکراسی بورژوازی صرفا به این تضمین اکتفا نکرده و شرایط امکانات بهره مندی واقعی از این آزادیهای را نیز برای تمام شهروندان جامعه فراهم سازد . در صورتی که نقی لیبرالیسم بورژوازی از دیدگاه استبداد شرقی می خواهد دمکراسی بورژوازی را به حوزه «مسلمانان» یا «احزاب» خلق محدود کند .

برای برنای این اصل که هر نوع دمکراسی دارای مضمون طبقاتی و ترمای است به این معنی هم هست که گویا کمونیستها فقط برای دمکراسی پرولتاری می جنگند و دموکراسی بورژوازی ربطی به پرولتاریا ندارد . در صورتی که در جوامعی مثل ایران بخش اعظم بار دموکراسی بورژوازی نیز بر شانه های پرولتاریا کشیده می شود .

از طرف دیگر در تشکل های موضوع بحث نوشته حاضر حتی بفرس کجا نیدن رادیکال ترین اهداف و برنامه های عملی نمی توان کوچکترین گامی برای دمکراسی بورژوازی برداشت . مستتر از همه اینها اینکه مضمون طبقاتی بورژوازی یا هر مضمون خوب و بد دیگر در اینگونه تشکل ها و هر سازمان سیاسی یا صنفی نه به باورهای سیاسی عقیدتی حال گذشته افراد عضو و شخصیت فردی آنها و نه به مواد مربوط به شرایط عضویت و حتی خاستگاه طبقاتی اعضا مربوط نمی شود (و تنها و تنها برنامه و پلان عملی آن حزب یا هر سازمان دیگر است که مضمون طبقاتی و مابیت عملکرد آن جریان را تعیین می کند . و از همین رو است که تمامی احزاب سیاسی شرط اصلی عضویت را عمل به برنامه قرار می دهند . و مثلا یک کنش بدون توجه به اعتقادات مذهبی و یا تعلقات طبقاتی و سابق سیاسی خود فقط و فقط به شرط قبول برنامه یک حزب کمونیست و عمل در راه تحقق آن می تواند به عضویت آن حزب درآید . به بیان دیگر حتی یک حزب سیاسی و سازمانی است از میان زمین راه تحقق آن نه از معتقدان آن و نه حتی انقلابی بودن می تواند به شرط عضویت باشد چرا که عمل به برنامه انقلابی می توان انقلاب بود و نه مقدم بر آن . خلاصه کنیم : تشکلهای دموکراتیک مقله جدید و تجزیه نشدنی است که مراحل ابتدایی برای تحقق خود را می گذرانند . امروز که شکست این تشکلهای در سازماندهی خود پیرو ایران خارج کشور امری روشن و خالی از بحث تلقی می شود و هنوز مورد موفق و معیار موفقیت توانایی جذب تعداد بیشتری از هواداران نیروهای سیاسی به حساب می آید ، پرداختن به ریشه های این شکست و دامن زدن به مباحثات بیرومونی این بریده ، نه تنها می تواند راه خروج از بیست گونی را بنماید بلکه از نقطه نظر شکل گیری بینش اصولی برای نهمین سالگرد تشکل طبقاتی مردم در سازمانهای تودای با بینش معتقد به تشکل مردم در طرفین بی نهایت کوچک و محدود نهاد های هواداری ترقه های آید تلوژیک ، درای اهمیت حیاتی است . از آنجایی که تشکلهای دموکراتیک کنونی نمایان خود را از میان نهادهای هواداری سازمانهای حجابی در سالهای بعد از انقلاب برگزیده است ، هنوز نتوانسته است تکلیف خود را با ایده برای تشکلهای هواداری بجای سازد و همی دمکراتیک مردم حول مسائل خودشان ، تعیین کند .

هرگونه دفاع از دمکراسی و پیش کشیدن لزم سازمانیایی وسیع ترین لایه های اهالی برای رسیدن به خواسته ها و نیازهای مشترکشان می تواند بعنوان دفاع ضمنی از جریان سیاسی معینی تلقی شود . دفاع از حق داشتن وکیل و دادگاه (بعنوان حقوق دمکراتیک) برای جنایتکاران ، بمعنی دفاع از جنایت یا جنایتکاران نیست و برعکس در پی برده زدن اتهام دفاع از جنایت به مدافعان دمکراسی ، باید افراس ضد دمکراتیکت نظر کنندگان حقوق دمکراتیک انسانها و جنایتکاران را باز شناخت که با توسل به مورد نفرت عامه بودن جنایت می خواهند سرپوشی برای سرکوب آزادی و نقض حقوق دمکراتیک مردم دست و پا کنند . می آید بازم بهترین شرایط آن است که به جنایتکاران امکان می دهد تا هرچم دفاع از حقوق دمکراتیکت شهروندان را به دوش بگیرد ! این بیچیدگی ظاهری مسلمانان که برای ترمیم افراد در پیرویه یک استدلال عنوانه مورد استفاده قرار می گیرد .

بسیگان نزد یک خود تضاد آتش نایدیری داشت و در همین حال ... دمکراتیک هم آن کیفیت از یک رابطه جسمی است که طی آن افراد با شخصیت فردی خود بشرط الزام عملی به میان برنامه جمعی میروند در ارتباط با همدیگر قرار میگیرند .

اما باز ممکن است مطرح شود که اعتقاد صوری و حتی گاه عمل به برنامه می تواند با ایمان قلبی افراد متفاوت باشد . بخصوص اگر این افراد دارای سابقه روشنی نباشند . از اینگونه دوستان باید انتظار داشت که لااقل به اندازه شریعت ۱۴ قرن پیش رسد و منتظر بخرن دهند که با ورودی که مذهب اساسا بسا دنیای دوی و تاملات روحانی انسانها سرگرا دارد و باور بدون ایمان قلبی را باطل می شمارد ، برای تضاد دستگاه عدل این جهانی خود بیان لفظی عبارت در جملاتی «شهادتین» را کافی می شمارد و حتی بعنوان یک اصل قبول دارد که «شرع به ظاهر حکم کند» . توجه می کنید که چگونه الزامات برانگیزشی و مکانیسمهای اجزایی ، حتی لزوم چشم پوشی از اصل مسلم در بنیان نظری مذهب (ایمان قلبی) در این دنیا را به پانیا نیست و شریعت تحمل گرداست . در موضوع مورد بحث هم نحوه اجرای ارکاداردن مادی که طرفداران جریان سیاسی معینی را از اروپا به جامع دمکراتیک منسج کند ، می تواند اهمیت هم ارز با اصول داشته باشد .

چنانکه تجربه تا کنونی هم گواه است ، ما با بازی عملی وجود مرزهای عقیدتی از قبیل موضوع بحث حاضر چیزی جز را ماندن ختن دستگاه تفنیش مفاید و خبرگیری و پروند سازی به انصاف یک دستگاه جبرلسنی با ابزارهای فیراحلاتی تبدیله ، شاننازه و اینها نیست . بریده های که از دیدگاه مادی ترین نرهای رایج جامعه ، مدوم و وهن آوریند .

مطرح می شود که حذا د این قید و بندها موجب نفیوت طبقاتی راست می شود . این بریده زمانی می تواند که این نیروها بعنوان قربانیان جفاقت کنسی و زورگویی از سوی متکبران اخیل آزادی و دمکراسی تحت فشار بوده و توانسته باشند خود را به عنوان آلتزنیاتجوی مقابل تنگ نظری و بی برسیی مطرح کنند . در این صورت اینکه مبارزه علیه زورگویی و جفاقت کنسی نمی تواند عاملان و قربانیان این بریده های حکمو را به بیانانده لوزر مواخذ قرار دهد نمی تواند گاهی را متوجه معتقدان دمکراسی بکند . تنها در شرایط کارگرد عقبمانده ترین و کوتاه بین ترین دشمنان آزادی است که بخشی بگری از همین قلم مخالفان آزاد فرصت می یابند تا از موضع مظلولیت و مرهوبیت دستگاههای آزادی گنو و دموکراسی ستهز خود را تبلیغ بکنند . درست مثل محافل سلطنت طلب که بعد از ۵۰ سال محطاری فونداسیون حکومت نقبا ، امروز طرفدار «آزادی» شده اند . ما حزب توده و سرگما که در اصل متکبران نوع بدیع برخوردارهای پلیس با نه ، پیرونده سازی و رانداختن سیستم خبر جینی و تجسس در رو با شخص افراد و شاننازه ... است (از جمله نوشته با فرموش بنسجام «مردی تنها» در یکی از شماره های «النبیا» در این زمینه روشنگر است با زدن اتهاماتی از قبیل «سیا ساخته» ، «تجیه» ، «بروک» ، «آمریکایی» ، «ساراکوی و ...» به نیروهای دیگر ، احسان این جریان خیانت پیشه با این اوصاف جلی وقتی نتواند دست بالا را در اعمال تصبیق و اتهام زنی داشته باشد علم دفاع از دمکراسی را برخورد حسابی می کند .

اما وظیفه تنگری که دمکراسی و آزادی را از تشکیلی بر مراتب مقدس تر از مبره های قابل برد و باخت در بازوهای سیاسی می انگارد چیست ؟ آیا در صورتی که سلطنت طلبها و طبقاتی راست و بدتر از آنها در نبود آزادی نمی ضرور باشند در دفاع از این روشها باید تردید بخود راه داد ؟ بیگمان نه ، می بایست با شهادت از آزادی بی قید و شرط برای همه دفاع کرد و این جریان را به موضع واقعی شان به عقب راند . اگر شهادت دفاع از آزادی بی قید و شرط حتی برای مخالفان خود در نداشته باشیم مردم به حق به آزادی طلبی ما وقتی نخواهند نهاد . از همین رو مارکس در یک نیم قرن پیش با منع روزنامه ام اروپایی چون «البرتلدرز اپتینگ» مخالفت می کرد چرا که بقول خودش «موضع ما از لحاظ حقوقی ، بستگی به مابیت اخلاقی موارد مشخص ندارد چه رسد به نظرات سیاسی و مذهبی آنها» بر همین اساس بود که وقتی موسولینی از گرامشی خواست تا نوکسیون حزب کمونیست در پارلمان ایتالیا به گذراندن لایحه ای علیه فراموشیها موافقت کند با مخالفت ناظمانه گرامشی روبرو شد . «می شک آتیومع هم بودند کسانی که گرامشی را به دفاع

ادامه از صفحه ۷

به سوی برپائی سمینار

سمینار را برطبق همان برنامهای که روز اول از زبان کانون میزبان، اعلام شده بود ادامه دهند. یا حداقل قرارها را برای سازماندهی یک اقدام سراسری علیه جنگ بمناسبت نزدیک شدن سالگرد آن وهمینطور فراهم کردن مقدماتی برای بگوشته فعالیت برای دفاع از "مردودین" تدارک کنند. البته اعلام آمادگی کانون اشتوتگارت برپائی میزبانی سمینار پنجم بسیار مثبت بود و با پیگیری نهیبه سرعت آنرا تدارک دید، اما سمینارها مبورگ دربرابرانشعاب کمی غافلگیرشده. اشتقاق دیدگری که به کانونهای اصولی وارد است اینست که در روند این سمینار، با یکدیگر خوب هماهنگ نکردند. هنگامیکه پلاتفرم دمکراتیک از طرف برخی کانونها، مطرح شد، بخاطر اشتقاق جزئی به این کار با یه زرای دادن امتناع کردند. مثلاً دیدگاهی که میگفت: "فعالیت با پند حول نیاهای مبرم پناهندگان باشد و جنبش پناهندگان یک جنبش همگانی است که برای متحد کردن آن با دیدن نقاط مشترک پناهندگان دست گذاشت و پلاتفرمشان پیشنهاد دینکرد که (۱- مبارزه علیه جمهوری اسلامی و افشای آن بعنوان عامل اصلی پناهندگی، ۲- مبارزه عمومی جهت پذیرش تقاضای پناهندگی و دفاع از حقوق پناهندگان در سراسر جهان، ۳- مبارزه برای رفع موانع موجود برای ورود پناهندگان به کشور آلمان، ۴- حمایت از پناهندگان ترکیه و پناهندگان، ۵- مبارزه علیه استرداد و رد پناهندگان، ۶- داد من زدن به مبارزه علیه جنگ، ۷- مبارزه برای بهبود زندگی پناهندگان، ۸- گسترش همکاریهای فرهنگی بین کانونها، ۹- جلب موثر همکاری سازمانها و نیروهای مترقی، میتوانست مورد موافقت قرار گیرد، و بعنوان کارپایه تثبیت شود، سپس و در آینده اصلاحات جزئی به آن افزوده شود. اکنون در شرایط تازه، مبارزه دوخط مشی یا دنده در شکلی دیگر ادامه خواهد یافت. تردیدی نیست، کانونها منشعب بخاطر جوهری رستی که حمل می کنند پس از مدتی انشعاب تازه ای را در درون خود می پرورند. اگرچه ممکن است برای مدتی تحت تاثیر حس رقابت جوئی به اقدامات پرسرو صدا و تبلیغی متوسل شوند، اما باید آلبا اکتفا بر همان کارپایه ای که بخشا در بلاذکر شد به کار سازمانگرا نه در میان مهاجرین بپردازیم. ثانیاً، در برابر منشعبین موضع گیری کنیم و محتوای سیاسی انشعاب آنها را مورد نقد قرار دهیم. ثالثاً، خط اصولی را با مباحث جمعی و تشکیل سمینارها عمق بدهیم و توجه داشته باشیم که کانونهای پیرو خط اصولی علیرغم پایداری نظری به اصول کار رتوده ای، هنوز در عمل خوب کار نمیکنند و پایا به محکمی در میان پناهندگان ندارند. رابعاً، از هم اکنون با پیداسمینار پنجم تدارک دیدوا زهمه کانونها و پناهندگی خواست اعلام آمادگی کنند

سازمان اکثریت

همچون یک نماد سیاسی

نشده و بلافاصله پس از پیلنومدی ماهه کمیته مرکزی حزب توده که با ردیگرافسنا ستحاله رژیم و ضرورت تشکیل جبهه صلح و آزادی را مطرح می کند، دفتر سیاسی اکثریت نیز با یک باصطلاح تحلیل از "وضع سیاسی ایران و جهان" و "بررسی عمده ترین روندهای جاری کشور" با او و به زیر این پرچم صف می کشد. ماهیت و مشخصه شما دسیاسی آنست که به مردم و پناهی اجتماعی خود حساب پس نمی دهد و اما منافع خاص درون کشور به حرکت و جهت نمی دهد. به همین علت است که رهبری اکثریت در میان گچی و سردرگمی وسیع نیروهای خود و تلاشهای گسترده برای خروج از بحران خیانت های گذشته صورت می گیرد. آنهم در شرایطی که چشم اندازهای بسک انقلاب دیگر در افق کشور نمایان می شود، بی اعتنائی می کند و سر خود را طرف دیگری میگرداند. بنابراین اگر این حقیقت در مورد سازمان اکثریت در پافته نشود نمیتوان از این توهم نجات یافت که این رهبری اصلاح پذیر است و در شرایط امروز کسی که میخواهد حقیقت را در پناهدبا بدسوال کند که آیا "عمده ترین روندهای جاری در کشور" اوج گیری جنبش مطالبات کارگران و زحمتکشان، رودروشی فزاینده اقشار مردم با رژیم، شکاف غیر قابل جبران در ارکان حکومت فقهی، بین بست ها و شکست های پی در پی در جنگ، فلاکت غیرقابل تحمل اقتصادی و فروپاشی امور زندگی جاری مردم و در یک کلام نزدیک شدن طوفان انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و بنا بر این ضرورت آمادگی برای هدایت این انقلاب است یا تشکیل جبهه صلح و آزادی" با جناحهای دوراندیش و قدرتمند رژیم. خاطرمان هست که زمان (در پیلنوم سال ۶۵) رهبری اکثریت از این پناهندگانه بود در سالهای گذشته تحلیل درستی از "روند واقع کشور به عمل آوردند با صطلاح از خود انتقاد کرد و راست روی در این حوزه را پذیرفت، اما اکنون که حتی از دیدناشی ترین و کم تجربه ترین نوآموزان سیاسی، عمده ترین روندهای جاری "در کشور در جهت فروپاشی ارکان جمهوری اسلامی سیر می کند و همه مردم انتظار تحولات بزرگ و انقلابی هستند و سازمانهای انقلابی بویژه کمونیست ها در تدارک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می کوشند رهبری سازمان اکثریت با زهم برخلاف سیر واقعی "روندهای عمده جاری" در کشور به این نتیجه درخشان می رسد که جمهوری اسلامی بنا بدسرتگون شود. روشن است، جبهه صلح و آزادی برای "خودداری از تنش فزائشی در عرصه بین المللی" و "عمل کردن در این گستره هماهنگانه با فرهنگ و تمدن" (نامه مردم شماره ۱۹۳ گزارش هیات سیاسی صفحه ۲) است.

ما قبلاً توضیح داده ایم که حزب توده در کشور ما اساساً بمناسبت یک نماد سیاسی مطرح است تا بعنوان یک حزب سیاسی متعارف. ومعنای این نماد سیاسی را به مختصرترین شکل اینطور تعریف کرده ایم: ترجمه دیپلماتیک اتحاد شوروی به زبان فارسی. (راهکارگر شوروی شماره ۱ ص ۵۹). از این رو اصل برای ما تعجب آور نیست که این حزب پس از قبول ربا کارانه شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و مدتی سخن گفتن با کلمات باصطلاح خودشان سرخ، در پیلنوم نوزدهم شان با طرح شعار "جبهه صلح و آزادی" به جای اول خود بازمی گردد. با روشن شدن سمت و سوی سیاست "نگرش نوین" در سیاست خارجی اتحاد شوروی یعنی الویت یافتن منافع بشری بر مابازه طبقاتی در شرایط وجود جنگ افزایش نا بودی جمعی شعار سرنگونی نیز که همچون استخوان لای زخم دوسال سیستم فرمیستی حزب توده را مختل ساخته بود می بایست تکلیفش روشن میشد، و وظایف واقعی حزب با هویتش همساز می گشت. براساسی هم ترجمه فارسی "الویت یافتن مسائل با عملت همه بشری برناما بود از پیوسته طبقاتی"، تا مین راه مسالمت آمیز برای دگرگونی های اجتماعی در شرایط دمکراسی پیوسته رشد پابنده و "مبارزه برای رشد مترقی و دمکراتیک در شرایط سرمایه داری در کشورهای رشد پابنده" (از سخنرانی آناتولی دوبروینین در جلسه مشورتی هیئت تحریریه مجله مسائل صلح و وسوسا لیسم مندرج در نامه مردم شماره ۲۰۴) در شرایط کنونی ایران چیزی جز جبهه وسیع صلح و آزادی پیشنهادی حزب توده یعنی "راه رشد مبدل ۸۸" و از رده خارج شدن راه رشد غیر سرمایه داری گذاشتی و جبهه متحد خلق آن نخواهد بود.

اما منظور ما از بر ملا سخن ما هیت واقعی شعارجبهه "صلح و آزادی" پیشنهادی حزب توده، افشای حزب توده نیست، چرا که این حزب با یک پیشینه طولانی خیانت و استقلال رای بی نیاه از افشا است. مسئله سازمان اکثریت است که همچنان به تاسی از الگوهای نظری حزب توده قالب های یک نماد سیاسی را بخود می گیرد. و این هنوز در پناهی بسیاری از نیروهای متوهم این سازمان نمیگنجد. و به این علت با خوش خیالی، بدنبال راه علاج بیماری هستند که لاعلاج است. روح نماد سیاسی که از سالها پیش در جسم این سازمان حلول کرده و راهها نخواهد کرد. به تجربه سالهای نزدیک نگاه کنید، حتی ضرب سخت چوب بحران که بر این جسم وارد می شود، ذره ای این روح را جا بجا نکرده، چه رسد به اینکه آنرا از این جسم جدا کند. این خط و این رهبری با یکدیگر عجین شده اند. آنها تمام دنیاست که هنوز مرکب تصمیمات پیلنوم مهر ماه معشک

اجلاس ۷ کشور امپریالیستی در کانادا

چهاردهمین اجلاس سالانه سران هفت کشور سرما به داری پیشرفته، آمریکا، ژاپن، کانادا، ای‌تالیا، فرانسه، انگلستان و آلمان در تورنتو (کانادا) برگزار شد. این نشست ها که به ابتکار والری ژیسکا رستن رئیس جمهور وقت فرانسه بوجود آمدند، حکمیک مرکز تبادل نظر و تصمیم‌گیری بر سر مسائل اقتصادی و سیاسی مهم پیش‌روی جهان امپریالیسم را پیدا کرده‌اند. اگر پیدایش آن، همزمان با بحران ارزی ناشی از انفلوینک جانیبه "خلعت تسعیر پذیری دلار به طلا" از جانب آمریکا و با آغاز اولین بحران تعمیم یافته پس از جنگ دوم در کشورهای سرمایه داری همسراه بود، امروز پس از نزدیک به یک دهه و نیم، جهان سرمایه سعی می‌کند تا هر چه بیشتر از عوارض ناشی از دومین بحران سراسری و شدید پس از جنگ جهانی دوم جان سالم بدربرد. اما اگر در آغاز این نشست‌ها حقیقتاً به مرکز تبادل نظر بر سر دشواریهای اقتصادی پیش روی آنان و مشکلات ناشی از تغییر تناسب قوا در خود جهان سرمایه (میان ایالات متحده آمریکا، ژیکسو و ژاپن و اروپا از سوی دیگر) شیبه بود، بتدریج خلعت سیاسی آشکاری به این نشست‌ها داده شد تا بدانجا که اختلاف نظر بر سر بعضی مسائل حاد سیاسی در کشورهای حوزه نفوذ این یا آن قطب امپریالیستی در این جلسات حل و فصل می‌شود. بدین ترتیب اگر "نا تو" سازمان نظامی اتحادیه امپریالیست‌هاست، این جلسات سالانه، حکم ستاد مرکزی سیاسی - اقتصادی جهان امپریالیسم را پیدا کرده است و بهتراز هر جای دیگری می‌شود اختلافات میان آنها و با زتاب‌توان نسبی هر یک از کشورهای امپریالیستی در محنته سیاست جهانی را در آنجا دید. بدین لحاظ اجلاس تورنتو را با دید به رسمیت شناختن ژاپن بعنوان یک غول سیاسی و افول نسبی آمریکا نامید. آمریکا شکی که با انتخاب ریگان تدارک یک تنها چمدی برای احیای "امپراطوری آمریکا" را کرده بود، با سر به دیوار خوردن این بار بر همه آشکار شد که بحران همزونی در جهان امپریالیسم یک واقعیت است. روشن شد که افول نقش مطلقه آمریکا در جهان امپریالیسم را دیگر می‌توانید به معنی یک داده قطعی محاسبات سیاسی اردوگاه سرمایه در نظر گرفت. آمریکا هنوز سر کرده جهان امپریالیسم است اما این دیگر به معنای توانائی او در تحمیل سیاست‌های دلخواه محافل امپریالیسم آمریکا در موارد مورد اختلاف نیست. او می‌تواند با زی دیگران را بر هم زند اما قادر نیست با زی خود را با نظور که در دهه های ۵۰، ۶۰ عویا ۷۰ پیش می‌برد، اما می‌دهد. جهان امپریالیسم امروزه قطب‌بست است: آمریکا شمالی، ژاپن و اروپا، در این میان بویژه ژاپن به مثابه سرکرده منطقه آسیای جنوب شرقی خودنمایی می‌کند. دومین قدرت صنعتی جهان، اولین ما درکننده سرمایه و بزرگترین اقتصاد ما درکننده جهان را می-

بایست به مثابه اروپا تا بیوان، کره جنوبی، سنگا پور و مالزی در نظر گرفت. نقش ژاپنی‌ها در جهت به جلوی این کشورهای تازه صنعتی شده به این امپریالیسم نقش تعیین کننده ای در حیات اقتصادی این کشورها داده است. ژاپنی‌ها، آگاه از نفوذ قدرتمند خود، با طرح مسائلی که بطور مستقیم به این منطقه مربوط می‌شد، نظیر احترام از جنگ تجاری، لزوم کمک به "دمکراسی"های ایمن منطقه (فیلیپین، تایلند و...)، برجسته کردن نقش "تهدید شورویها" در این حوزه، مسئله‌ها مبعج و روابط با چین، اهمیت این منطقه و لزوم حمایت عمومی از کشورهای سرمایه داری آسیای شرقی را در متن قطعنامه‌های پایانی کنفرانس برجسته کردند. این یک پیروزی مهم برای دیپلماسی ژاپن بحساب می‌آید. تاکنون ژاپنی‌ها بر ضرب حملات آمریکا شکی‌ها و تا حدودی اروپا شیبها، همواره بر سکوی متهمین و در وضعیت دفاعی بودند تا بدانجا که آمریکا، از زبان ریگان، برای آنها نه تنها خط و نشان می‌کشید بلکه "دستورالعمل" سراسری "رعایت قواعد بازی" در متن قطعنامه‌ها می‌گنجاند. بویژه دو کنفرانس پیشین از این لحاظ بسیار برجسته بود. کنفرانسهای که آمریکا شیبها شدت به ژاپن و آلمان حمله کرده بودند. اما با اقول ستاره ریگان و تضعیف جدی "راست نوین" در آمریکا، اما سال از این تهدیدات خبری نبود. ژاپن ستاره اجلاس تورنتو بود و تقریباً در همه موارد خواسته خود را پیش برد.

از طرف دیگر، اروپا شیبها حتی المقدور سعی کردند تا با در نظر گرفتن چشم انداز "روپای متحد" در سال ۱۹۹۲، خود را جمع و جور کرده و حقیقتاً به مثابه یک قطب همگن و متجانس عمل کنند. اما واقعیت قدرت فزاینده آلمان و ای‌تالیا و افول محسوس انگلستان و فرانسه مانع از این امر نبود. در واقع اروپا شیبها با یک "پلاتفرم مشترک" به این اجلاس نرفته بودند و جز در خطوط بسیار کلی در مورد مسائل مربوط به خلع سلاح و نیز محصولات کشاورزی (دفاع از سیاست کشاورزی با زامشترک) - حصر مشترکی برای زدن ندا شدند. تازه در این مسوارد نیز همه از اختلاف نظرات آشکار میان چهار کشور اروپائی چه در مورد خلع سلاح (انگلستان و فرانسه در مقابل دیگران) و چه در مورد سیاست کشاورزی (انگلستان و آلمان در مقابل هم) با خبر بودند و این برفضای کنفرانس سایه انداخته بود. اما بهر حال با بدخاطر نشان شد، که برخلاف اجلاس گذشته که نقش تکرارنا امپریالیسم انگلیس بسیار برجسته بود، اروپا این بار نسبتاً متحد عمل کرد و از "جفتک اندازی"های تا چرخبری نبود. این امر نشان می‌دهد که امپریالیسم اروپائی از قدرت رقیب کهن، آمریکا و رقیب نوین، بسیار بر قدرت، ژاپن و آلمان، بخوبی آگاه است. به قول کی‌سینجر، در چشم‌انداز آغاز قرن بیست و یکم، اروپای غربی یا یک کل بهم

پیوسته و منسجم است و با در محاسبات بین امپریالیست‌ها یک نیروی بکلی فرعی خواهد بود. امپریالیست‌های مختلف اروپائی در اجلاس تورنتو "تمرین اتحاد" کردند.

قطعنامه‌های پایانی کنفرانس چیز مهمی برای گفتن ندارد. ممالحه بر سر اختلافات تجارتی و بویژه مسائل مربوط به سوبسید محصولات کشاورزی، به کمیسیون‌های ویژه ارجاع شده و همان قواعده پیشین، (و در نتیجه درگیریهای مقطعی و محدود) قانون حاکم خواهند بود. طرفین از برخورد شدید بر سر این معضل که در تمام این کشورها صف بندیهای متخاصمی را موجب شده، خودداری کردند. اسراژ وفاداری صوری به رعایت قواعد "بازار آزاد" از جانب همه جان کلام این ممالحه است. در مورد مسائل سیاسی، حمایت از قرار داد اخیر حسد فوشکهای میان بردجای ویژه ایدارد. حاضرین در کنفرانس ضمن حمایت از آن از سیاستهای اخیر رهبری شوروی و تغییر روش آن در مسائل مربوط به "درگیریهای منطقه‌ای" تجلیل کرد، اما آن را منوط به تحقق پیشرفتهای عملی مشخص کرده‌اند. بویژه در مورد کمک مبعج و آفریقای جنوبی، امپریالیست‌ها دست به "آشتی ملی" و حل مسالمت آمیز "درگیریها" کرده‌اند. البته شکست نظامی دست نشانندگان امپریالیست‌ها در این مناطق (بویژه در کامبوج) عامل مهمی در این تلاش امپریالیست‌ها برای "حسل مسالمت آمیز" بوده است. آنها سعی می‌کنند تا با افزایش فشار دیپلماتیک و بهره‌گیری از "تفکر نوین" در دیپلماسی شوروی، دول و نیروهای انقلابی را وادار به دادن امتیازات بیشتری بکنند. اما هم‌اکنون روند وقایع اخیر در آنکولانشان می‌دهد، انقلابیون هشیارتر از آنند که از این حقیقت غافل شوند که در تبردها امپریالیسم و متحدین آن، مشکل را تنها نیروی حل می‌کنند و از این دو ادا می‌نبرد انقلابی، ضمن مذاکره، تنها راه حفظ دستاوردهای انقلاب و یویولیسیم است.

در مورد جنگ ایران و عراق، قطعنامه مجدداً لزوم اجرای قطعنامه‌ها زمان ملل در خصوص آتش بس فوری را یادآوری می‌کند اما هیچ پیشنهاد ویژه‌ای برای خروج از بن بست دیپلماتیک حاکم بر این قطعنامه ندارد. برخلاف اعلامیه‌های پیشین امپریالیستی که در آنها یک سری اقدامات مشخص از طریق، و درکنار زمان ملل و با تکیه بر نیروی نظامی عظیم مستقر در منطقه، برای تحمیل آتش بس به جمهوری اسلامی ایران، پیش بینی شده بودند، این بار قطعنامه فاقد هر نکته عملی مشخص است. بنظر می‌رسد که امپریالیست‌ها ترجیح می‌دهند تا کار تمام‌سهای محرمانه خود را مقامات رژیم خمینی را پیش ببرند و در شرایطی که ایران برای "بمسد از خمینی" آماده می‌شود، هر چه بیشتر مرعیه با جناحها و ایجاد پایه نفوذی خود، قانون حاکم بر



اجلاس ۷ کشور امپریالیستی در کانادا

روابط امپریالیستی و رژیم ایران شده است، حتی در بخش مربوط به محکوم کردن تروریسم بین المللی و گروگان گیری، به رژیم خمینی برخورد ویژه ای نشده است. تجدید روابط فرانسه، انجام مذاکره گسترده و پیگیری میان انگلستان و آمریکا با ایران، همه در همین راستا معنای خود را بسیار می یابد، قطعاً معانی اجلاس از آشفته کردن آنها خود را دری کرده است.

در خاتمه با یدبه پیشنهادها و تسویه، که از جانب مطبوعات بورژوازی این کشور "تنها ابتکار واقعی" نام گرفته است، برخورد کرد، فرانسه و میتران در این اجلاس پیشنهادها را رد کرده امپریالیستها در جهت کمک به کشورهای عقب مانده ای که بدهی ها و هنگفتی به کشورهای امپریالیستی دارند،

برای آنها "تخفیفات" ویژه ای قائل شود، مدنظر میتران عمدتاً کشورهای آفریقا، این حوزه نفوذ سنتی امپریالیسم فرانسه بود. پس از مباحثات، تخفیفی معادل ۵۰۰ میلیون دلار برای این کشورها در نظر گرفته شد! حقیقتاً که در موضوعات مربوط به پول جاشی برای نازکدلسی نیست! حجم بدهکاری کل کشورهای تحت سلطه به بیش از هزار میلیارد دلار بالغ می شود و آنگاه امپریالیستها به بخشی از بدهکاران، یک تخفیف ۵۰۰ میلیونی می دهند! اما هشدار که این "تخفیف"

بی قید و شرط هم نیست و در عین حال شکل صریح بدهی را نیز ندارد، بدین ترتیب که از یک طرف کشورهای "مورد لطف" می باشد و از طرف دیگر معمولاً بیش از ۳۰ درصد درآمد را

مصروف پرداخت بدهی و بهره آن کرده باشند تا نیاید در مدارس نه ای کمتر از ۴۲۵ دلار داشته باشند و تا لثا برنانه "ریاضت اقتصادی" نسخه بیچ صندوق بین المللی پول و یا بانگ جهانی را به مرحله اجرا در آورده باشند. در صورت وجود این سه شرط، کشورهای امپریالیستی به یکی از "اشکال سه گانه"، بخشش، کاهش نرخ بهره و تجدید سهم بندی پرداخت، در حق بدهکاران "تخفیف" قائل می شوند! واقعا که کوه موش زاید، وقتی آدم نتایج فاجعه بار را در پیش روی چشمش، کاش نرخ بهره و تجدید سهم بندی پرداخت، صندوق بین المللی پول و خروج مداوم سرمایه، به شکل ربا، در این کشورها را بباید آورد، آنوقت متوجه حقاقت این "ابتکار فرانسوی" می شود. راه چاره این بدهی ها جز قطع پرداخت تمام آنها نیست و این گونه بخشش های امپریالیستی ربا خوارها را به درد تبلیغات روزنامه های بورژوازی می خورد.

با آن مواجها اندوخته آنها نکه در این رهگذر سرمایه های سرمایه ها و سرما به داران هستند که پایه های رژیم خمینی را محکم تر می کنند. و درست در این راستا است که هر روز خبر مرگ جانگداز زحمتکشانی را می شنویم که تنها بدین علت به هلاکت می رسند که کارفرما حاضر نیست حتی کوچکترین وسیله ایمنی را برای حفظ جان نشان در روزهای داغ تهیه کند. هر روز گرافیکات روزنامه ها را برگردیم از این نمونه ها فراوان به چشم می خورد. برای نمونه به چند خبر تنها در عرض یک هفته اشاره می کنیم با احتساب این نکته که این اخبار فقط شامل آندسته از حوادثی اند که در روزنامه ها چاپ شده و در واقع هر روزها خبر از این نوع در مناطقی دور افتاده و شهرستانها ی کوچک اتفاق می افتد که هیچوقت در روزنامه منعکس نمی گردند.

مرگ ۸ کارگر کارخانه قند شیروان:

"۸ تن از کارگران کارخانه قند شیروان بر اثر کارگاه زنگنه ای با خنک شدن ۲۸ دیگر مسموم شدند. به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی... کارگاه زنگنه ای از تخلیه آب گندیده ای بوده است که در لوله های کارخانه از فصل بهره برداری سال گذشته باقی مانده و با تخلیه می شده است. در پی تخلیه آب گندیده... کارگاه ۵۰ و ۵۴۲ با یکدیگر ترکیب شده و این مسمومیت را به وجود آورده است. "کیهان" ۳۱ خرداد ۶۷.

سمینا رساخت دست و پای مصنوعی

روزی نیست که خبر برگزاری یک سمینا رادار ایران نشنویم. هر روز حواله های سمینا برپا می شود. این مسئله آنقدر با دوام یافته است که حتی اعتراض بسیاری از سردمداران رژیم را برانگیخته است. چرا که برای هر سمینا رقمی زیاده ای خرج می کنند و تازه مجبورند برای تبلیغات تعدادی از کشورهای دیگر نیز دعوت کنند تا به آن واژه "بین المللی" را اضافه نمایند. جدیدترین این سمیناها، سمینا ری است که اخیراً در شهر تشکیل است و اعلامیه های آن مزین برصحنه است روزنامه های کشور، سمینا جدید به ابتکار سازمان پژوهش های علمی و صنعتی "برگزار می گردد و نام آن "سمینا رساخت دست و پای مصنوعی بدن" می باشد.

این سمینا ریز در راستای شعار محوری رژیم یعنی "همه چیز برای جنگ" برگزار می شود و هدف آن ساخت دست و پای دیگر قطعات اندام انسانها است که عضوی از بدن خویش را در راه سیراب کردن عطن جگه کی سران رژیم به آن مبتلا گشته اند، از دست داده اند.

رای اعتماد به میرحسین موسوی

روز پنجشنبه ۹ تیر مجلس شورای اسلامی طی یک جلسه به میرحسین موسوی برای پست نخست وزیری یک بار دیگر رای اعتماد داد.

همانطور که وی پیش بینی کرده بود هیچ زلزله ای رخ نداد و بدین ترتیب بدون هیچگونه درگیری و جنجال، خلاف آنچه در دور قبل اتفاق افتاد، میرحسین موسوی برای یک دور دیگر نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی اعلام شد. از مجموع ۲۱۷ نماینده حاضر ۲۵۴ نفر به نخست وزیری وی رای موافق ۸ نفر رای مخالف و ۵ نفر رای ممتنع دادند. علاوه بر این تعداد گفتنی است که ۱۵ نفر از نمایندگان که صلاحیت آنها تا شید شده بود در مجلس حضور نداشتند. در یک نگاه ساده میتوان دریافت که طرفداران خمینی که همانا حمایت کنندگان موسوی در دور قبلی زمان مداخله بودند، از اکثریتی تقریباً مطلق در مجلس برخوردارند چرا که در دور قبلی از ۲۶۳ نماینده، تنها ۱۶۲ نفر به وی رای اعتماد داده بودند و ۷۳ نفر مخالف و ۲۸ نفر ممتنع در مجلس وجود داشت. شاید ترکیب برای این وزنه بود که اینبار مجلس حتی منتظر نماینده رئیس جمهور یعنی یکی از سردمداران مخالفین موسوی در دور قبلی، وی را به عنوان کاندید به مجلس معرفی کند. جریسان خیلی ساده تر از آن رخ داد که فکرس میرفت: روز هفتم تیرماه نخست وزیر سخما به مجلس نامه ای نوشته تقاضای رای اعتماد می کند. روز نهم تیرماه وی در مجلس حضور یافت و بعد از یک سخنرانی کوتاه پیرامون برنامه های دولت نخست وزیری خویش را مجدداً تثبیت کرد.

موسوی چند روز قبلتر از آن نیز طی مباحثه ای اعلام کرده بود که سخما به مجلس جهت رای اعتماد نامه خواهد نوشت. و در این مباحثه هیچ اشاره ای به اینکه رئیس جمهور نخست وزیر را به کا بینه معرفی خواهد کرد نداشت وی حتی گفت که "تصور وقوع زلزله در کا بینه دور از نظر است" و در مورد دولت آینده گفت که "دولت آینده" در معرفی بر نامه ها به مجلس تکیه خواهد داشت تا بیچ وخما مشکلات اداری رفع شود و مجلس نیز با یداختیارات وسیعتری به دولت بدهد تا در همه موارد دنیا زما جمع به مجلس نداشت با شددستگاه اجرا یی برای تغییر و تحول در داخل خود اختیارات وسیعتری داشته باشد و خود را با فرا زوشیبها منطبق کند...".

مرگ کارگران به علت عدم وجود وسایل ایمنی

در جمهوری اسلامی خطر مرگ تنها شامل کسانی که در جبهه ها هستند و یا افرادی که بمب بر سرشان می بارد، نمی شود. جمهوری مرگ آفرین خمینی همواره با کارگران و نیستی می برد چه آنها نکه مستقیم

UN کراچی تنبیه می کند!

چهار ماهه مصف طولانی از پناهندگان ایرانی، در زیر آفتاب سوزان کراچی در مقابل بانسک "گرنلدیز" منتظر دریا فت کمک هزینه خود بودند که رفتا رنا شایست، توهین آمیز و فاشا رما مورین بانسک اعتراضاتی از جانب آنان را برانگیخت که بهانه‌ای شبرای توقف پرداخت مقرری چند روز پس از آن UN کراچی اطلاعیه‌ای صادر کرده و پناهندگان را تهدید به تنبیه کرد، آنها با قطع مقرری سه تن از پناهندگان، دیگران را مورد خطاب قرار داد و تهدید کرده اند که در صورت رفتا رنا شایست! مقرری آنها نیز قطع خواهد شد و در مجموع رفتا ر هر کدام از پناهندگان روی کلیه پناهندگان تا شیرخواهد گذاشت!

آلمان فدرال:

خودکشی

دوپناهنده جوان ایرانی

روز جمعه مورخ ۸۸/۷/۱ دوتن از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم شهر نرسبورگ آلمان غربی، در اعتراض به وضع بلاتکلیف دادگاهها، شرایط بد محل زندگی و بی ازیک مشا جره لفظی با مسئولین منطقه با استفا ده از قرض های خواب آورده دست به خودکشی زدند که خوشبختانه به علت اطلاع سایر پناهندگان نا فرجام ماند.

این برای چندمین بار است که ما اخبار تا سف باری از خودکشی پناهندگان بخصوص در جنوب آلمان می شنویم. شرایط طاقت فرسا و فشارهای روحی که مقامات محلی بر پناهندگان می آورند اکنون باعث اعتراضات گسترده ای از طرف پناهندگان شده است. مهمترین مسائله پناهندگان که همچنان، علی رغم این اعتراضات بلاتغییر مانده، بلاتکلیفی طولانی و جواب منفی دادگاهها است که پناهندگان بخصوص جوانان را از لحاظ روحی در شرایط سختی قرار میدهد. دولت آلمان، بی اعتنا به این اعتراضات و برای تسهیل معامله با رژیم جنایتکار اسلامی همچنان بر تشدید این محدودیتها با فشاری می کند و شرایطی فراهم می آورد که جوانان پناهنده ایرانی، با تمام عشق و آرزوئی که به زندگی دارند و به آیین خاطر از جهنم خمینی قرار گرفته اند، این چنین دلخراش مجبور به نا بودی خود شوند. ما این سیاست های دولت آلمان را محکوم می کنیم و خواهان رسیدگی به وضعیت کلیه پناهندگان هستیم.

اعتصاب غذا

در اعتراض به حکم اخراج

سودالا - سوئد:

روز ۸۸/۶/۹ عدده ای از پناهندگان ایرانی به حمایت از یک مادر و فرزندانش که بخاطر دریا فت حکم اخراج دست به اعتصاب غذا زده بودند

برخواستند و اقدام به تحصن و اعتصاب غذا کردند. این حرکت اعتراضی از طرف عده دیگری از افراد و ساکنانهای ایرانی مبارز منجمله رفقای ما مورد پشتیبانی قرار گرفت.

تظاهرات

علیه تروریسم جمهوری اسلامی

لوند - سوئد

بدموت کانون فرهنگی ایرانیان در لوند و همکاران چندین کانون و انجمن اطراف لوند و مالمووا ایرانیان مبارز و مترقی در استان اشکونه در تاریخ ۸۸/۶/۱۱ تظاهراتی در اعتراض به حمله ای چاقو داران جمهوری اسلامی به ایرانیان در استکهلم و برای حمایت از نیروهای مترقی و پناهندگان ایرانی برگزار گردید.

راهپیمایان که در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر بودند، شعارهای "مرگ تروریسم تروریست پرور خمینی"، "تروریست های جمهوری اسلامی را بیرون کنید"، "رژیم تروریست خمینی با بکوت با یگردد"، "مرگ بر خمینی، پناهندگان اتحاد اتحاد" را فریاد می زدند. در طول راه پیمایی صدها اعلامیه افشاگر علیه تروریسم و جنگ و برای اتحاد عمل نیروهای انقلابی در مقابل بهای رژیم جمهوری اسلامی پخش شد.

حمله فاشیستها

به اقامتگاه پناهندگان

شب دوشنبه (مورخه ۸۸/۷/۱۰) ۱۰ تا ۱۵ نفر از فاشیست های شهرک "گوندلفینگن" در حوالی شهر "قرا بیورگ" با تفنگهای شکاری، دیلم و سنگ به اردوگاه پناهندگان در نزدیکی این شهر حمله ور شدند. آنان ضمن ضرب و شتم پناهندگان، خسارات زیادی به اردوگاه پناهندگان وارد ساختند و وحشیگری های فاشیست های سبب گردید تا یک زن ۸۳ ساله ساکن این اردوگاه پناهندگان دچار سکته قلبی شود که در حال حاضر نیز حال وی وخیم است. پناهندگان ساکن این اردوگاه از ملیت های لهستانی، هندی و لبنانی هستند. پلیس ۶ تن از حمله کنندگان به اردوگاه را دستگیر نمود که تاکنون ۳ نفر آنان آزاد شده اند!

اخراج یک پناهنده غنائی

ماین - آلمان فدرال

یک دانشجوی اهل غنائی متیکی (Ticky) اول ماه ژوئن که برای دریافت مستمري ماهانه خود به داره امورا اجتماعي مراجعه کرده بود، بلافاصله توسط پلیس دستگیر و پس از دوروز بازداشت به کشور غنائی برگردانده شد. تقاضای پناهندگی وی از طرف "زیرندورف" مرکز دادگاههای پناهندگی رد شده بود و چند روز قبل از اخراج اخطاریه ای مبنی بر ترک آلمان فدرال دریافت کرده بود.

آلمان فدرال

هجوم پلیس

به اقامتگاه پناهندگان

نا مهی زیرک گوشه ای از فشارهای روحی و جسمی که به پناهندگان در این کشور اعمال میشود افشا می کند توسط یکی از پناهندگان این خوابگاه برای ما فرستاده شده است. ما با درج این نامه با دیگر افکار مترقی و بشردوست را برای حمایت از حقوق انسانی متقاضیان پناهندگی در کشورهای اروپای مورد خطاب قرار میدهم و از خود پناهندگان می خواهم که با متشکل شدن به مقاومت و مقابله با این حرکات غیر انسانی برخیزند.

در تاریخ ۸۸/۵/۲۰ ساعت ۹ شب حداقل ۱۵۰ پلیس به همراه ۱۰ سگ تربیت شده و مجهز به تمام وسائل سرکوب و مسلسل به خوابگاه پناهندگان مقیم شهر وایدن واقع در شمال شرقی استان بایرن حمله ور شدند. تعداد پلیس ۱/۵ برابر تعداد پناهندگان بود. آنها دور تا دور خوابگاه را محاصره کرده، دم درها را قفل پلیس را مستقر نمودند و با خشونت بیجا به همراه سگها به تفتیش اطرافها پرداختند. در طی بازرسی اطرافها که ۴ ساعت به درازا کشید، نتایج تمام وسائل انسداد و فروری پناهندگان مجرد و خانواده ها را به هم ریختند و شکستند، بلکه اجازه خروج از اطرافها را برای رفتن به توالت و آوردن غذا و آب بسرای بچه ها را که از گرسنگی و تشنگی مدام گریه و زاری میکردند، ندادند.

قساوت و تیرجمی پلیس به حدی بود که اعتراض همیگان آلمانی را برانگیخت. اما آنها بدون توجه به تهدید و ضرب و شتم پناهندگان معترض پرداخته و یک جوان ایرانی را از صورت چند جای دیگر بدن فروب ساختند. تعدادی را نیز دستگیر نمودند که با فشار یکپارچه پناهندگان و آلمانی های همسایه آزا دکردند. آنها که قمدی جز آزار و اذیت پناهندگان و ایجا دهنم مضاعف در خوابگاه راندا شدند، برای توجیه اعمال فاشیستی خود سبزیجات خشک شده، لیمو ماننی و ادویجات ایرانیها و ملیت های دیگر را بعنوان مواد مخدر! به یغما بردند، که چند روز پس از توضیحات و مراجعات مکرر پناهندگان و دخالت آلمانی های مترقی آنها را پس دادند. خبر حمله پلیس به سرعت در شهر پیچید و آنجا رزیا دی را برانگیخت. طوری که روزنامه های شهر با فرستادن خبرنگاران به خوابگاه و صحبت با پناهندگان زیر فشار افکار عمومی به درج گوشه های از صحبتها پرداختند.

● لهستان

میخا شیل گوربا چف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در یک سخنرانی در پاریس لهستان پیشنهاد نمود که همه رهبران اروپای شرقی در یک دیدار به منظور مذاکره در مورد کاهش نیروهای نظامی در اروپا بگردند. وی پیشنهاد نمود که نیروهای مسلح دوپیمان ورشو تا توکاهش یافته و به ۵۰۰۰۰ نفر تقلیل یابند. وی همچنین از رهبران ناتو

● مسکو

کنفرانس نوزدهم حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از چهار روز بررسی پیشرفت فرمایشات جاری در شوروی به کار خود ادامه داد. تشکیل این کنفرانس در میان شوروشوق و دخالت نسبتا فعال مردم شوروی و شرکت وسیع آنها در مباحثات مربوط به تظاهرات دهگانه صورت گرفت. کنفرانس در طی کار خود به بررسی پیشرفت ها و نقائص کار پرداخته است و مسئولین آنها را مورد انتقاد قرار داد. این کنفرانس طرح کمیته مرکزی را در مورد گسترش دادن شور-

● آفریقای جنوبی

وزیر دادگستری رژیم نژادپرست و تبعه کار آفریقای جنوبی اعلام نمود که پرونده اش شا رب ویلی "که به جرم تماشاگری قتل یک مزدور سیاه توسط توده های خشمگین به مرگ محکوم شده اند، مجددا



مورد بررسی قضا " قرار خواهد گرفت. عقوبت نشینی دولت تبعه کار پارتا بدکه تا کنون به کرات جنایات مشابهی را مرتکب شده است تحت فشار افکار عمومی جهان صورت گرفته است.



پیام کارگر همگاری کنید
و برای آن بنویسید!

خواست که پیشنهادات پیمان ورشو در مورد کاهش نیروهای نظامی طرفین را مطالعه کرده و پاسخ دهد. گوربا چف همچنین بطور مشخص پیشنهاد نمود که آمریکا از استقرار ۷۲۲ جنگنده اف-۱۶ در ایالتیایا خودداری کرده و پیمان ورشو نیز متقا بلاتسری مشابهی را از نیروهای هوایی خودکاهش دهد.

های نمایندگان خلق و شوراهای ملیت ها به ۲۲۵ نفر نماینده و یک شورای عالی اتحاد شوروی که رئیس جمهور را بعنوان عالیترین مقام اجرائی کشور، انتخاب می کند و خودعا لیترین مرکز تصمیم گیری است، پذیرفت. کنفرانس در بررسی انتقاد خود از پیشرفت سیاست نوسازیدر همه زمینه ها، حلقه اصلی را با زسازی ساخت سیاستی جامعه شوروی دانست.

● اعتراضات دانشجویی

● در برلین غربی

اخیرا بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپای شرقی قرار داد تازه ای به امضا رسیده است. این قرار داد که به Binnenmarkt معروف است، برای تنظیم هر چه بیشتر مبادلات بازرگانی، روابط پولی و کاری کشورهای عضو امضا رسیده و تا شیرات معین جدیدی را بر روی شرایط زیستی کارگران و وضعیت تحصیلی دانشجویان خواهد گذاشت. از جمله تحت تاثیر این قرار داد دانشجویان فارغ التحصیل مدارس عالی در آلمان از سال ۹۲ به بعد، مدرک تحصیلی پائین تری را نسبت به سالهای قبل بدست خواهند آورد و برای بدست آوردن محل کار مشابه مجبور به انجام ۴ سال کارآموزی خواهند بود. اگر چه در حال حاضر نیز آنان ۵۰۰ مایرگ کمتر از فارغ التحصیلان رشته مشابه دانشگاهی دریافت می کنند. از آنجا که تعدادی در حدود ۷۰۰ و ا حدمدرسه عالی در آلمان وجود دارد و دانشجویان آنها از ۵۰۰ نفر الیه ۷۰۰ نفر است، قشروسیعی از دانشجویان که فرزندان طبقات زحمتکش و ندادار هستند از این قرار داد صدمه خواهند دید. به این دلیل دانشجویان توسط نمایندگان خود دعوت شدند که در روزهای ۱۸ و ۱۹ ماه مه کلاسهای درسی را تحریم کرده و در جلسات بحث و گفتگو مخالفت خود را با این قرار داد ابراز نمایند. این دعوت از سوی دانشجویان مورد استقبال قرار گرفته و در روز ۱۹ ماه مه آکسیون اعتراضی در مقابل اداره فرهنگ برلین غربی برگزار گردید که در آن حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند. خواستهای دانشجویان از این قرار بود: ۱- افزایش تعداد درمها به ۸ یا ۹ برای بومی با مدرک دانشگاه ۲- لغو تاثیر Binnemarkt برای آموزش عالی ۳- تأشید مدارک مدارس عالی و دانشگاههای فنی برابر با مدارک دانشگاهها سطح بازاریا مشترک.

● آلمان فدرال:

● قاتل پناهنده ایرانی
به ۱۸ ماه حبس تعلیقی

● محکوم شد!

قاضی "رولف دیبون" روز پنجشنبه ۸۸/۶/۲۹ قاتل کیومرث جوادی را به همراه همدستش به ۱۸ ماه حبس تعلیقی محکوم کرد. این قاضی قتل کیومرث جوادی را که بطرز وحشتناکی بدست کارمند فرستگاه مواد غذایی "فان کوخ" در شهر گوتینگن خفه شد را قتل غیر عمد، اعلام نمود و اظهار میدواری نمود که قاتل و همکارش در این مدت ۱۸ ماه با نشان دادن حسن اخلاق خود، حتی یک روز را هم در حبس نماندند! این حکم در واقع تا شید آزادی قاتل و همدستش میباید که تا کنون نیز آزادانه بکار خود مشغول بودند. قاضی "رولف دیبون" با صدور این حکم در واقع سیمای واقعی بیدادگانهای را که در سرتاسر آلمان غربی حقوق پناهندهگان را در عرصه های گوناگون زندگیشان پایمال می کنند، نشان داد. این قاضی که یکی از فراوان قاضیانی است که از اعمال هیچ نوع خصومتی با خارجیان دریغ نمی ورزند در ماه گذشته یک جوان ترک را که با دوستانش قصد داشت پول های موجود در صندوق یک سویرما رکت را بر بیا بید به ۳ سال حبس محکوم نمود اما قاتل کیومرث جوادی را به جرم اینکه "تعدادی در نوزدهم ماه آگوست سال قبل نزدیک به ۵۵ مارک مواد غذایی را از فروشگاه مخفیانه خارج کند" و به همین خاطر بطرز وحشتناکی به قتل رسید را به ۱۸ ماه حبس، ۲۰ شهم قسب تعلیقی محکوم کرد.

● آلمان فدرال:

● فشا ربر پناهندهگان
شدت بیشتری می یابد!

اخیرا دولت آلمان غربی به ۲۷ هزار متقاضی پناهندهگی سیاسی "تا میل" اعلام نموده است که با دریافت ۳۰۰ مارک پول و نیز پول بلیط برگشت به سریلانکا، سرزمین آلمان غربی را ترک کنند. در همین رابطه وزیر کشور دست راستی دولت آلمان، "سیمرن" اعلام نمود که در غیر این صورت متقاضیان پناهندهگی سریلانکایی با اجبار به کشورشان فرستاده خواهند شد. سیمرن وزیر کشور دولت آلمان غربی اعلام نمود "درحالی که با شروط گفته شده متقاضیان پناهندهگی سریلانکایی آلمان غربی را ترک کنند این امر برای دولت آلمان غربی ۲۰ میلیون مارک خرج دربرخواهد داشت، درحالی که اگر آنان در آلمان غربی بمانند تا روشن شدن تکلیفشان ۲۰۰ میلیون مارک هزینه برای دولت آلمان غربی ببار خواهد آورد!"



فرزندان فرا موش شده خدا

برای هزاران جوان ایرانی، استان نبول ایستگاه بهین راه فرار است. آنها به استان نبول قاچاق می‌شوند. همچنانکه از استان نبول نیز ارجاع داده می‌شوند. تنها تعداد اندکی از آنها به آلمان و یا آمریکا می‌رسند.

برگرفته از مجله اشترن به تاریخ

۸۸/۲/۱۲

برای حمید تنها دوستستان وجود دارد. آنها بی که با سپورت دارند و آنها بی که ندارند. حمید جزو انسانهای بدون پاسپورت است. حمید ۱۶ ساله، شش ماه قبل از ایران به ترکیه فرار کرده است. قاچاقچیان انسان با دریافت مبلغ ۱۰۰۰ دلار او را از مرزی که بوسیله پاسداران به شدت محافظت می‌شود، عبور داده اند. حمید با ۶۰۰ دلار در جیب به استان نبول رسیده است. خانواده اش تمام موجودی خود را به او داده اند، او میدواید و است که با این مبلغ بتواند یک پاسپورت و همچنین ویزای مسافرت به کانادا، جایی که برادرش یکسال قبل به آنجا فرار کرده است را دریافت کند.

امروز حمید دیگر دلاری ندارد. ما او را در رستوران ایرانی در نزدیکی دانشگاه استانبول ملاقات می‌کنیم. فضا را بوی شوید، زعفران و بربنج تازه نیاشته است. دیوارها بوسیله گاو غذایی و با دکنک های قرمز زرد آذین شده اند. دکوری برای آغاز سال نو ایرانیا که در ۲۴ مارس برگزار می‌شود، در پشت یک ارگ مردی نشسته و آوازهای قدیمی غمگینی را می‌خواند. زمانیکه او می‌فهمد که ما از آلمان آمده ایم، صدا می‌زند: "من هم می‌خواهم به کشور شما بیایم، مرا با خود ببرید. فراموش نکنید."

حمید در گوشه ای بر سرمیزی نشسته و بقیه کتشت را تا روی چانه اش بالا کشیده است. او می‌گوید: "اینجا تنها فراریان هستند و همه هم می‌خواهند که از ترکیه بروند. آنجا می‌کند: "تاما — می مشتریان، صندوقدار، پیشخدمت و حتی شهبز." پس از هر جلسه بانگای نامطمئن و وحشت زده به ما می‌نگرد. والدینش به او پند داده اند که به هیچکس اعتماد نکنند، اما او ناچار شده است که در استان نبول به کسی اعتماد کند. "من به یک قاچاقچی ۵۰۰ دلار دادم. این مقدار قیمت مرسوم او را قسماً به کانا است. ما چهار روز بعد در یک آژانس مسافرتی با یکدیگر قرار ملاقات داشتیم. او می‌خواست که در آنجا به من پاسپورت و ویزا بدهد. دو هفته تمام حمید هر روز ما بوس به محل قرار گرفته است و از

آن به بعدا همیشه در منطقه ایرانی نشین ترکیه، "آکسارای" در جستجوی آن مرد پولش پرسی می‌زند. مدتها کودک ایرانی ۱۲ تا ۱۶ ساله در حال فرار، تنها در استان نبول زندگی می‌کنند و موقعیت آنان چشم انداز روشنی ندارد. آنان راه بازگشت نیز ندارند، چرا که ایران آنها را به جبهه اعزام خواهد نمود. آنها را همیش رونیزندارند، چرا که هیچ کشوری حاضر به پذیرش آنان نیست. آنها متواری شده اند در "جنگ مقدس" علیه عراق به زمینهای مین گذاری، شده فرستاده نشوند. "پاسداران به نزد والدینم رفته و گفته اند که من با دیده جبهه بیروم، اما من نمی‌خواهم بروم. من از جنگ وحشت دارم."

او حالا از هر روز تا زهای در استان نبول وحشت



دارد. همه جا با پلیس های سبزپوشی مواجه می‌شود که ممکن است از او و اوراق هویتش را بخواهند. "من لازم است که به آنها نیز دلار بدهم، ولی من که دیگر دلاری ندارم. به همین جهت آنها می‌توانند مرا دستگیر نموده و رجعت دهند."

دنیا ی حمید کوچک شده است. یک اتاق ده متری در هتل که او آن را با دو جوان فراری دیگر اجاره کرده است و یک اتاق ویدیو در زیرزمین هتل. در آنجا آنها محروم از همه چیز تا مگه با بر روی مبل چرمی می‌نشینند.

بنا به تخمین کنسول آلمان، بیش از ۲۵۰۰۰ ایرانی فراری در استان نبول زندگی می‌کنند.

تاما می آنها رقبای بالا برنده قیمت پاسپورت — های جعلی هستند که امکان ادا مسافرت آنها به آلمان و یا آمریکا را ممکن می‌سازد. در کوجه های باریک آکسارای خانه های متروکی به عنوان هتل اختصاصی داده شده اند و در تمام آنها ایرانی ها زندگی می‌کنند. بر سر در تمام فروشگاه های مواد غذایی و آژانس های مسافرتی تا بلوهای با خط فارسی نیز آویزان شده است.

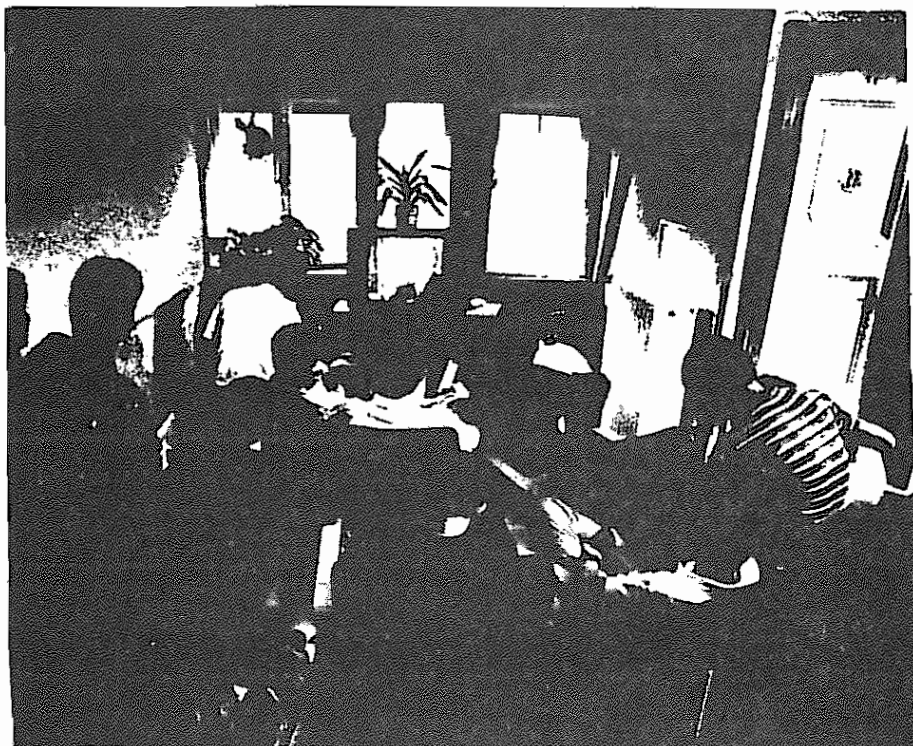
موضوع صحبت های خیا بانی و یا در رستوران ها تنها حول دور محدود می‌زند: پول و پاسپورت. شایعات پراکنده ای برای یافتن امیدی، تا

گذران روزها را ساده تر گردانند. امروز صحبت از کوستا ریکا و یا پاناما است که گویا پناهنده مسی — پذیرد و هفته های بعد در مورد آلمان و یا اسپانیا. در استان نبول امید چندانی یافت نمی‌شود و هر چه که احتیاج بیشتری می‌یابد، یک پاسپورت به همراه ویزای آلمان ۲۵۰۰ دلار خرید و فروش می‌شود. نرخ سوئیس ۳۵۰۰ دلار است، چرا که برای ایرانیان نقل شده است که در آنجا برای پناهندگان پول بیشتر، خانه بزرگتر و نوع پاسپورت بهتری اختتام داده شده است. از قبیل این متواریان تنها قاچاقچیان ترک و ایرانی سود نمی‌برند، بلکه ادارات نیز در این منبع کسب درآمد سهیم می‌باشند. یک جا عمل پاسپورت تنها یک سوم پولی را که از فراری دریافت می‌کند، برای خود نگه می‌دارد و بقیه در ریشه دادن به پلیس، کنترل کننده پاسپورت و ماورگ مرک فروگانه آتاتورک در استان نبول به مصرف می‌رسد. پلیس ترکیه همچنین با غافلگیری کردن هتل داران کوچک آکسارای در آمد خود را بین زمین ها ارتقاء می‌بخشد. آنها به سالن هتل می‌روند و هتل داران را تهدید به زرسی هتل می‌کنند و در اکثر موارد دلارها از قبیل در قسمت اطلاعات هتل آمده شده است. پولها بی که به مصرف ریشه دادن می‌رسند، از قبیل به کرایه اتاق افزوده شده اند.

رها ن ۱۵ ساله تهرانی همیشه یک اسکانس ۱۰ دلاری در جیب دارد. "این برگ هویت من در کنترل احتمالی است." او از سه ماه پیش در استان نبول زندگی می‌کند. قاچاقچی به والدین او قول داده بود که او را در ظرف ۳ روزه به استان نبول برساند. آنها با یک اتومبیل تا نزدیکی مرز آمده اند و از آن پس راهیما ۱۸ روزه رها ن آغاز شده است. "در یک دهه ایرانی قاچاقچیان برای ما اسب تهیه کردند و ما سه روزه از گردستان با اسب عبور نمودیم. هوا سرد و همه جا پوشیده از برف بود و ما گرسنه بودیم. زمانی که سرانجام به ترکیه رسیدیم، می‌بایست خود را در دهی از دید پلیس مخفی می‌ختمیم. اما می‌بایست اهالی ده را قاچاقچیان انسان زندگی می‌کردند. دو روز بعد ما را شبانه بوسیله یک کامیون بردند. من به همراه چند جوان دیگر در قسمت بار کامیون نشسته بودیم. جا یمن به شدت تنگ بود و هیچکدامان نمی‌توانستیم که چه مدت در راه بوده ایم. در این مدت تنها دو بار کامیون توقف نمود و از داخل سوراخی برای ما تا سفید به داخل انداخته شد."

رها ن با جوانان دیگری که در استان نبول هستند گفتگو دارد. او و بسیاری دیگر می‌کنند و بدون ترس صحبت می‌کنند. او می‌تواند بخندد و امیدوار است. پدر او و چها را به پیش توانسته است به آلمان گریخته و تقاضای پناهنده می‌کند. بزودی او نیز خواهد توانست به محل پدرش مسافرت کند. اطلاعات او در مورد آلمان به اینگونه: "در آنجا





می‌شوند. بدلیل محدودیت شدیدجا درخوا بگا ه های دستجمعی (Heim) ایالت هن ، این کودکان از ژانویه سال در ایالات دیگری استقرار می یابند .
نا صروعباس از یکسال پیش درخوا بگناه دسته جمعی واقع در شمال ایالت اسن زندگی می کنند . نامر می گوید : " اینجا حال من خوب است . " وعباس سکوت می کند ، هر دو بر روی کانا په ای در اتاق جمعی نشسته اند . عباس با بی اعتمادی به ما نگاه می کند . نا صر خوب آلمانی صحبت می کند ، او تکرار می کند : " بله ، اینجا خوب است " انگار که بیشتر قصد مطمئن ساختن خود را دارد . " من به مدرسه می روم و بعدا زظهرها با زهم آلمانی یاد می گیرم ، من می خواهم پزشک شوم . " آلمان کشور خوبی است و این را پدرش در حین خدا حافظی با او مطرح نموده است . ترس آنها را رها نمی کند . در ایران خانواده آنها بدلیل خارج نمودن فرزندان نشان تحسنت تعقیب قرار خوا هندگرفت . طبق یک بخشنامه جدید ، ادارات مسئول می تواننند برادران ، خواهران و پسران والدین را دستگیر نموده و تا زمان بازگشت طفل خارج شده ، در زندان نگاه دارند .
حتی در آلمان نیز بین کودکان درامان نیستند ، دو ماه پیش عباس مکالمه تلفنی داشته است . به او گفته اند که او را دستگیر و به خانه اش خواهند فرستاد . او پس از شنیدن این جملات گوشی را بر جایش گذاشته است . بدلیل اینگونه تهدیدات وزیر امور اجتماع ، به خوا بگا ه ها اعلام نموده است که از خروج جوانان با آشنا بان ایرانی آنها جلوگیری نمایند .

اداره جوانان (Jugendamt) در فرانکفورت می گوید : " ما به مرز جدا کشر طرفیت خود رسیده ایم ، ما بنظر نمی رسد که انتها بی در چشم اندا وجود دارد . " بلکه گاملا برعکس با شدت گیری جنگ شهرها ، بین ایران و عراق میزان کودکان فراری افزایش نیز یافته است . در سال ۱۹۸۷ این تعداد ۴۸۰ نفر بود ، در حالیکه این میزان تنها در سه ماهه اول سال جاری ، بیش از ۲۵۰ کودک بوده است . هیچک از این کودکان ارجاع داده نخواهند شد ، اما امکان شناسایی آنها به عنوان پناهنده نیز مشکل بنظر



میرسد ، چرا که امتناع از خدمت سربازی بعنوان دلیلی برای پناهندگی به رسمیت شناخته نمی شود و کودکان ۱۲ ساله نیز بسیار مشکل می توانند اثبات نمایند که در کشور خود به عنوان فعال سیاسی تحت پیگرد قرار داشته اند . این کودکان پس از مراجعه کوتاهی در قسمت کنترل فرودگاه فرانکفورت پیوسته ما موران به اداره جوانان تحویل داده

مردس وجود دارد و انا انها مهربان هستند خلاصه می شود .

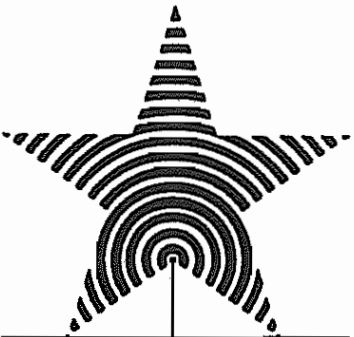
در تاریخ ۲۶ ژانویه سال جاری Arbeiterwohlfahrt (سازمان خیریه خارجیان که با حمایت SPD کار می کند) واقع در فرانکفورت - که از طریق فرودگاه T۵ بسیاری از کودکان مناطق جنگی وارد آلمان می شوند - در خواستی مبنی بر پذیرفته شدن رها ن به عنوان پناهنده انسانی ، تسلیم وزارت کشور آلمان نمود و این تنها شانس رها ن برای ورود قانونی به آلمان بود . در تاریخ ۸ فوریه وزارت کشور درین

بدون اعلام دلایلی ، این درخواست را رد نمود . " با توجه به رقم بالایی پناهندگان موجود که ما بر طبق حق پناهنده گی تصریح شده در قانون موظف به پذیرفتن آنها شده ایم ، در موقعیتی قرار گرفتیم ایم که بهیچوجه توان پذیرش پناهندگانی را که به زندگی آنها در معرض خطر جدی قرار گرفته است ، ندا ریم . رژیم ترکیه اظها ردا شده است که هیچ ایرانی پناهنده ای به کشورش پس فرستاده نخواهد شد و ما دلایلی مبنی بر عدم صحت این گفته ، در دست نداریم . " توضیح مذکور از جانب وزارت کشور آلمان اظها رده است .

آقای وزیر کشور می بایستی اطلاعات بیشتری داشته باشد . از جمله اینکه در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶ وی نامه سفارشی از طرف وزارت امور خارجه دریافت کرده است : " ترکیه در طی ماههای اخیر مرتباً افرادی را به ایران ارجاع نموده است ، او اعلام کرده است که در صورت افزایش موج فراریان ایرانی ، تعداد بیشتری ارجاع داده خواهد شد . "

در حال حاضر بر طبق اسناد اداری آلمان ، نزدیک به ۱۰۰۰ نوجوان بدون سرپرست در آلمان زندگی می کنند ، اکثر این نوجوانان ، ایرانی هستند . اما کودکان لبنانی و اریتره ای نیز که بدلیل جنگ داخلی ، از کشورشان متواری شده اند نیز بخشا در بین این کودکان می باشند .
ماتیاس من (Matthias Mann) مسئول

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!



صدای کارگر

راه پیمایی ماژان کارگران انقلابی ایران لوله کارها

★ **برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متبر را بر ما ۴ مگا هرتز پخش می گردد.**

★ **این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد.**

★ **جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود**

★ **ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!**

آدرس پیام کارگر

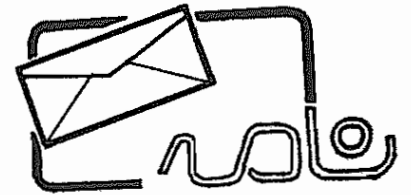
POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

سخنرانی

فرا تکفورت (آلمان فدرال):

دوتا ریخ ۸۸/۷/۸ از طرف رفقای حوزه آسین شهر جلسه سخنرانی تحت عنوان "انقلاب ایران و آلترنا تیو ما" برگزار گردید. پس از ایراد سخنرانی حاضران در جلسه پرسش های خود را مطرح نمودند که از طرف سخنران پاسخ داده شد.



ره شادمان - زاگرب - یوگسلاوی

● **با تشکر فراوان بخواطر چهرهای زیبای که برایمان فرستاده ای و پیشنهادهای صمیمانه ای که مطرح کرده ای. ما یکی از طرحهای شما را به عنوان آرم صفحه پاسخ به نامها از همین شماره مورد استفاده قرار می دهیم و درانتظار کارهای دیگر شما هستیم.**

ره رضا بدرمشات - آلمان غربی

● **گزارش شما در مورد وقایع دوران بمباران شهرها را در پافت کردیم. از زحمات و همت شما قدر دانی می کنیم. بعلمت آنکه در حال حاضر درج آنها بخواطر گذشت زمان مقدور نیست متاسفیم. امیدواریم همکارهای خود را با نشریه فرستاده ترویبریا ترک کنید.**

اطلاعیه:

رفقا و دوستان مهاجر

حوادث و رویدادهای ماههای اخیر کشورمان نشان میدهندنا رفایی توده ها از ادامه جنگ و شرایط سخت و طاقت فرسای سیاسی و اقتصادی دراینگجا و آنجا بصورت مبارزات آشکار و محرکات دستجمعی بروز می کند. این اعتراضات، تحت تاثیر شورشکنت های پی در پی درجبهه ها و تعمیق اختلافات و تشکیک های درونی جناحهای رژیم هر روز با شدت بیشتر توسعه می یابد.

رژیم تلاش می کند حتی الامکان از دروازه این اخبار و پخش آن در میان مردم جلوگیری کند. روزنامه ها و وسائل ارتباطی جمعی حکومتی در اینبنا ره سکوت می کنند و یا در مواردی که بخواطر وسعت و انعکاس مبارزات نمی توانند سکوت کنند، چیز مثلثه شده و دست و پا شکسته ای تحویل مردم می دهند. اغلب خبرهای اخیراً از طریق خود مردم و زبان به زبان پخش شده است.

بنابراین در این شرایط، رساندن اخبار و مبارزات مردم و همچنین تحولات روحی آنها را اهمیت زیادی است. لذا ما از همه رفقا و دوستان و مهاجرین آزادیخواه می خواهیم تا در اسرع وقت اخبار دربار فتنی خود را از طریق شما رهظن و آدرین زیر به اطلاع ما برسانند.

تلفن: ۲۹ - ۳۰ - ۲۱۶۹۱۲

آدرس: Postfach 650226
1-Berlin 65
W. Germany

رفیق آشنا!

● **اشعار شما به دست ما رسید. چندتا شی از آنها مثل "تصویر" با وزن نیماشی و یک شعر آزاد "انسان" و چند شعری که بین قطعه ادبی و بحر طویل نوسان دارند، ساخته شده است. در مجموعه خود نشان میدهد که شما ذهنیت شاعرانه دارید و تا حدودی بسط تکنیک کاربویژه به وزن عروضی آشنا شی دارید. اما آنچه که به عنوان اشکال در این اشعار هست عدم هماهنگی تکنیکی، وزنی، تصویری هر شعر بطور مستقل است. شایستگی از علل این اشکالات این باشد که شما همزمان از مبدونش و ملو بورخی شاعران دیگر تا شیر گرفتار یکدیگر به لحاظ شکل و پرداخت و حتی دریافت شاعرانه با ما با هم تفاوت دارند. تا شیر پذیری اگر با اشرف کمال با شودر پروسه ای آدم بتواند خودش به راه معینی برسد و یا لاق از زبان یکدستی برخوردار شود در شروع کار ایراد اساسی ندارد. مشروط به آنکه بتوان کلام آخرا پیدا کرد. بهر حال امیدواریم ما همچنان مکا تبه کنید. شعر تصویر شما را با چاپ آن در این نشریه در اختیار خوانندگان خود می گذاریم. موفق باشید.**

● **بدنبال درج اطلاعیه محکومیت اعزام گروهی از زندانیان سیاسی در پیا مکا رگر شماره ۲۲ از سوی برخی از خوانندگان سوالاتی با اینمضمون به دستمان رسید که چرا ما تنها از نوشیروان لطفی نام برده ایم، چرا تعلق سازمانی اعلام شدگان مسکوت گذاشته شده و چرا در این اطلاعیه با راست مرز بندی شده است. قبل از پاسخ به این نامه های یابرای آگاهی عموم اعلام کنیم که اینگونه موضع گیری های ما در چهره رجب دفاع از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی صورت میگیرد و ما قاطعانه از حقوق و آزادی تمام زندانیان سیاسی در برابر فشارها و جنایت های رژیم اسلامی دفاع می کنیم. بدیهی است که این دفاع، مستقل از وابستگی سیاسی سازمانی زندانیان سیاسی است و صحت خود را نه از تعلق فکری قربانیان بلکه از این تحلیل کسب می کنند که ما هیچکدام از ماکم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی شناسیم.**

اطلاعیه مورد نظر با در نظر گرفتن چنین سیاستی انتشار یافته است، و اصرار خاصی نداشته است که حتما نامه سازمانهای این افراد را ذکر کند. اما اگر طرح این سوال بدین خاطر است که وابستگی سازمانی نوشیروان لطفی بعنوان یک نقطه ضعف می باشد ذکر می شد، پاسخ این است که اولاً ما نسبت به خطر ربط رفرمیستی و خیانتکارانه این سازمان روشن است و مسکوت نهادن این قضیه نمی تواند توهماً با ما شنا نیا در آن لحظه، قصد محکوم کردن جلادان بوده است نه مرز بندی سازمانی، چه بسا در جایی مناسبت ذکر این نکته جزو احتیاج ضروری باشد. اما ما عدم ذکر نام ما بر شهدا را به عنوان یک انتقاد می پذیریم و در همین جانشان این دوشهید، حاجت محمد پور و حجت الله معبودی را ذکر می کنیم.